

با حسین رفیعی، بازیگر و مجری تلویزیون

کارگر مردم هستم

صفحه ۳

«ریشه‌ها؛ نسل بعدی» روی آنتن شبکه نمایش
سیاه همچون اعماق آفریقایی خودم / ۶
حمایت نمایندگان مجلس از سریال «معمای شاه»
تصویری واقعی از تاریخ معاصر کشور / ۱۲
با سعید پیردوست، بازیگر با سابقه سینما و تلویزیون
قرار نبود نقش رئیس طولانی باشد / ۱۵

آگهی مزایده ۲۶۲۶ و ۲۶۲۵ / ۹۵
خودرو و اقلام مؤسسه کوثر

شرح در صفحه ۷

آگهی مزایده ۲۶۲۹ و ۲۶۲۸
و ۲۶۲۷ / ۹۵ خودرو و
اقلام مؤسسه کوثر

شرح در صفحه ۵



www.jamejamonline.ir



یکشنبه‌ها نوآوری‌های IT ایران و جهان پذیرش آگهی در ضمانت: ۰۲۱-۴۲۷۲۱۴۰۱-۲

نگاه هفته

فیلمنامه‌نویسی را جدی بگیریم

مهدی غلامحیدری
دبیر قالب کوچک

حالا که سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر به پایان رسیده، خیلی بهتر می‌توان درباره معضل بزرگی که آثار سینمایی و تلویزیونی ما را تهدید می‌کند، بحث کرد. درباره ضعف فیلمنامه در آثار نمایشی ما بسیار گفته‌اند و شنیده‌ایم، اما عجیب است که در تمام مدتی که درباره این ضعف آشکار سخن به میان آمده، همه چیز در حد حرف باقی مانده است.

شاید مهم‌ترین اتفاقی که باید در این حوزه بیفتد قبل از همه چیز «نیازسنجی» است. این که مخاطب امروز به چه خوراک فرهنگی نیاز دارد و این خوراک فرهنگی با چه نوع بسته‌بندی بهتر است ارائه شود، از اولویت‌ها و پیش‌نیازهای این کار است. با نگاهی گذرا به فیلم‌های جشنواره امسال که تقریباً محصل یک‌سال تلاش صنعت سینمای کشور است، می‌توان پی برد که بخش عمده‌ای از آثار تولید شده اساساً معلوم نیست برای کدام گروه مخاطبان تولید شده است. تعداد دیگری از آثار تولید شده هم با وجود این که گروه مخاطبانش تقریباً مشخص هستند، اما قالب کلی که برای ارائه این فیلم‌ها در نظر گرفته شده، آن قدر پیش پا افتاده و خالی از ظرایف فیلمسازی است که به جرات می‌توان گفت در مواجهه با مخاطب آنچنان که سازندگان این آثار متوقعند، موفق نخواهند بود. همه این نقاط ضعف هم در درجه اول به فیلمنامه این آثار برمی‌گردد.

شاید بزرگ‌ترین ایرادی که به وضعیت فیلمنامه‌نویسی آثار تلویزیونی و سینمایی می‌توان گرفت استفاده چندباره از نویسندگانی است که بارها آثارشان ساخته شده و عملاً هیچ اتفاقی را در صنعت سینمای کشور باعث نشده‌اند. در حال حاضر جوانان بسیاری در این حوزه فعالیت می‌کنند که با وجود آثار شاخص هیچ‌گاه نتوانسته‌اند آثارشان را از هفت خوانی که پیش‌رو دارند، عبور دهند. فیلمنامه‌نویسان جوان و مستعد و گمنام می‌توانند بخشی از راه برون‌رفت ما از این مشکل باشند.

جایگزین بابک حمیدیان شدم



پروژه‌ای به کارگردانی عباس عمرانی به نام «مونالیزا» هستیم. در همین فیلم ماجرای نیمروز ابتدا قرار بود بابک حمیدیان نقش مسعود را ایفا کند و من نقش کوتاه‌تری بازی کنم که بنا به دلایل شخصی نپذیرفتم، اما صبر کردم و این اتفاق افتاد که جایگزین بابک حمیدیان عزیز بشوم.

وی افزود: پژوهش‌های قبل از تولید مهدویان به گونه‌ای است که یک فیلمنامه کامل و پخته به دست بازیگر می‌رسد که دیگر نیازی به تحقیق و پژوهش نیست و اگر بازیگر، بازیگر باشد تنها کاری که در مواجهه با این فضا انجام می‌دهد اضافه کردن یکسری جزئیات است. البته ابراهیم امینی فیلمنامه‌نویس این اثر، هنرمندی است که در جریان انتخاب بازیگران به مهدویان کمک موثری می‌کند. او با مشاوره‌هایی که می‌دهد، دست روی سوژه‌هایی می‌گذارد که می‌تواند برای همه جالب توجه باشد.

این بازیگر درباره پیشنهاد تولیدکنندگان حوزه سینما به وی برای بازی در فیلم‌ها گفته است: بنا به دلایلی که همه می‌دانیم پیشنهاد آنچنانی برای حضور در پروژه‌های دیگر نداشتیم. فقط الان غیر از حضور در پروژه‌های تئاتری که همواره جزو دغدغه‌های همیشگی من بوده، درگیر

مهدی زمین‌پرداز بازیگر نقش «مسعود» در فیلم سینمایی «ماجرای نیمروز» به کارگردانی محمد حسین مهدویان که در سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر با استقبال مخاطبان و منتقدان روبه‌رو شده با اشاره به همکاری دوباره خود با این کارگردان جوان سینما به مهر گفته است: اولین آشنایی من با محمد حسین مهدویان به تولید مستند تلویزیونی «آخرین روزهای زمستان» بازمی‌گردد که نقش شهید باقری را بازی کردم.

این بازیگر درباره فضای کار با مهدویان هم گفته است: او از جمله کارگردانی است که به گروه خود بسیار اهمیت می‌دهد. او علاوه بر اینها در عرصه پژوهش نیز بشدت با دقت و ریزبینانه کار می‌کند. چه بسا بارها پیش آمده که برای پژوهش آثارش نزدیک به یک سال پروژه را متوقف می‌کند تا به نتیجه لازم برسد.

نمی‌خواستم بازیگر شوم



تلاش می‌کنم و کار می‌سازم. اواخر دوره بود که اعلام کردند می‌توانیم برای جشنواره «رویش» فیلم بسازیم و من اولین نفری بودم که اعلام آمادگی کردم و کار تقریباً ۱۵ دقیقه‌ای «دیوار» را ساختم که در جشنواره شرکت کرد.

دختر شهید بابایی درباره مجموعه دیدار در آشیانه هم گفته است: شروع ساخت دیدار در آشیانه از آنجایی بود که گفتند رهبر انقلاب علاقه‌مند هستند که مجموعه‌ای از زندگی و ابعاد شخصیتی خلبان‌های پیشکسوت ساخته شود در همانجا من و همکارم طرحی را مطرح کردیم و مورد استقبال قرار گرفت.

بودیم که پدر وارد خانه شد و از آنجایی که مایل نبود امکانات دولتی را استفاده کند من و برادرهایم را صدا کرد و گفت مرا بیشتر دوست دارید یا تلویزیون را؟ و ما گفتیم شما را بیشتر دوست داریم که در ادامه پدر گفتند که خانواده‌ای هستند که پدرشان شهید شده و بچه‌هایش تلویزیون ندارند اگر به من اجازه بدهید من این تلویزیون رنگی را برای آنها ببرم و ما هم با رضایت کامل قبول کردیم.

وی افزود: یک روز با خودم گفتم من باید فعالیتی در زمینه هنر داشته باشم. مدت‌ها در مورد این مسأله فکر کردم و گفتم من بازیگر نمی‌شوم، اما می‌توانم فیلم بسازم چون من آدمی نیستم که به‌عنوان بازیگر بنشینم تا یک نفر بیاید و من را انتخاب کند. از همین موقع بود که در دوره‌های فیلمسازی و کارگردانی شرکت کردم. وی خاطرنشان کرد: من این‌قدر به کلاس‌های کارگردانی علاقه‌مند بودم که هر هفته یک فیلم جدید می‌ساختم تا جایی که یک بار استاد کلاس گفتند شما آرشو دارید؟ که خیلی ناراحت شدم و گفتم من هر هفته

سلمان بابایی دختر شهید بابایی که این روزها مجموعه «دیدار در آشیانه» به کارگردانی وی در شبکه امید روی آنتن رفته است درباره دوران کودکی خود و خاطراتی که از پدر شهیدش دارد، به مهر گفته است: من هم مانند بچه‌های دوران خودمان خیلی مسائل زیادی از زمان کودکی ندارم و خیلی مسائل از ذهن من بیرون آمده است بخصوص از پدر چیز زیادی در ذهنم نیست و این مسأله به این دلیل است که ایشان بیشتر اوقات در مناطق جنگی بودند و ما اصلاً پدر (شهید بابایی) را نمی‌دیدیم، اما برخی اوقات وقتی در خواب بودیم حس می‌کردیم که پدر بالای سرمان است و ما را نوازش می‌کرد و می‌بوسید.

دختر شهید بابایی که سریال شوق پرواز براساس زندگی پدر وی شهید عباس بابایی ساخته شده، افزود: پدر علاقه داشت رضایت ما را جلب کند به همین دلیل رفتاری را انجام می‌داد که ما از او ناراحت نشویم. به یاد دارم یک‌بار یک تلویزیون رنگی در منزل ما آوردند و ما با کلی ذوق مشغول دیدن «پسر شجاع»

فربا متخصص: تهیه‌کنندگان به دنبال چهره‌های جدید هستند

مدتی از سینما دور بودم و دلیل آن پیشنهاد فیلمنامه‌های ضعیف بود، اما اینک خوشحالم که بعد از مدت‌ها توانستم با سه فیلم در جشنواره حضور داشته باشم.

متأسفانه سینماچندان به قدیمی‌ها بها نمی‌دهد در حال حاضر اغلب تهیه‌کنندگان و کارگردانان به دنبال چهره‌های جدید و جوان بوده، هنر و تجربه بازیگران کهنه کار و قدیمی برایشان چندان دارای اهمیت نیست! جدا از این مسأله معتقدم در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین

مشکلات ما در سینما حضور نداشتن پیشنهادهایی به دستم می‌رسد که متن‌های بسیار ضعیفی داشتند و از این رو ترجیح دادم که در آنها بازی نکنم. من به دلیل اصل هنر و ناب بودن آن وارد این عرصه شدم و مایل نیستم که به دنبال زرق و برق بروم و به واسطه پول و... در هر اثری ایفای نقش کنم. گرچه واقعاً برای من سینما، تلویزیون و تئاتر تفاوتی ندارد و قطعاً از حضور در هر سه مدیوم لذت می‌برم. مهم برای من این است که بدانم کارگردانی که قرار است با وی کار کنم، میزان تجربه‌اش چقدر است و قبلاً چه کارهایی انجام داده است. / سینما پرس



ساغر عزیزی: ۴۸ ساعت نخواهیدم

در سریال معمای شاه جای شخصیت فرح همسر شاه بازی کردم که هم در قید حیات است و هم این که کاراکتر سیاسی حساسی دارد. تلاشم در این سریال این بود که خودم را به شخصیت فرح نزدیک کنم و بهترین اجرا را در برابر متنی که به من داده شده، ارائه دهم. امیدوارم حاصل این کار مورد توجه مردم و مخاطبان قرار گرفته باشد. من حتی ۴۸ ساعت برای یک سکانس نخواهیدم و این سختی را فقط من و عوامل این سریال می‌دانیم و بس. در هر صورت بازی به جای این شخصیت از حساسیت‌های خاصی برخوردار بود.

اما دشوارترین سکانسی که بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود صحنه فرار شاه و فرح از ایران است در فیلم مستندی که از این صحنه وجود دارد اگر دقت کنید فرح برخلاف شاه که آشکارا می‌گرید لبخند بر لب دارد که ریشه در غروری دارد که در شخصیت اوست، اما در پس این لبخند، تألم و خستگی مفرط در چهره او دیده می‌شود و این باید در گریم اجرا می‌شد در اتود اول گریم جواب نداد شهرام خلج طراح چهره‌پردازی کار و محمدرضا ورزی از من خواستند یک شب را نخواهیم و در عین نخواهیدم سعی کنم تا صبح گریه کنم. / نسیم آنلاین



با حسین رفیعی، بازیگر و مجری تلویزیون

کارگر مردم هستم

۵۹

احمد محمد اسماعیلی

حسین رفیعی، مجری برنامه‌های تلویزیونی و بازیگر تلویزیون، سینما و تئاتر اصالت اراکی دارد و هنرمندی چندپیشه است که سوای اجرا و بازیگری، دستی هم در نقاشی و موسیقی دارد. رفیعی چهره شناخته شده‌ای برای بیشتر مخاطبان رسانه است. او فعالیت هنری‌اش را با برنامه «۳۹» از سال ۱۳۷۲ آغاز کرده و در فیلم‌هایی مثل «سفر به چزابه»، «شیر و عسل» هم نقش آفرینی کرده است. «نیم‌رخ» شاخص‌ترین کار او در زمینه اجرا محسوب می‌شود. عمده شهرت او به علت بازی در نقش «ف» در برنامه تلویزیونی گروه نیم‌رخ شبکه یک سیما بوده است که در دهه ۱۷۰ اجرا کرد. دست به نقد، مسابقه این خانواده، او مثبت، اینجا ایران است (شبکه جهانی جام جم)، مسابقه زوج بر تر، صبح آمد، تو کی هستی؟، مسابقه سرآشپز بزرگ، مسابقه تنور طلایی و دانی و من از جمله کارهای مهم کارنامه کاری‌اش محسوب می‌شود.

بارفیی در باره اجرا، ویژگی‌های آن و تفاوت‌هایش با مدیوم بازیگری گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

به نظر شما یک مجری فقط باید در حوزه کاری‌اش فعالیت کند یا می‌تواند در سایر حوزه‌های هنری هم ورود داشته باشد؟

من از بازیگری به اجرا رسیدم و در این دو سه دهه به موازات اجرا به بازیگری پرداخته‌ام و در کارهایی هم به عنوان مجری - بازیگر فعالیت کرده‌ام. به تعبیری، در اجراهایم مثل بازیگر عمل می‌کردم.

این جنس اجرا نمونه‌های موفق زیادی دارد؟ بله، مهران مدیری و رامبد جوان هم در این زمینه سرآمد هستند.

شما هم در این عرصه پیشگام بودید...؟ من اولین کسی بودم که در این عرصه وارد شد. در آن دوران خیلی از دوستان بازیگر و کارشناسان از من این خرده را گرفتند که چرا این کار را انجام دادم و برخی از کارگردان‌ها هم مطرح می‌کردند دوست داشتند از من در فیلم و سریال‌هایشان استفاده کنند، اما چون مجری شدم دیگر به درد بازیگری نمی‌خورم.

منظورتان این است که با طرح چنین موضوعی اعتقاد داشتند بازیگری کار بسیار دوری از مجریگری است؟

نمی‌دانم. من کار در تلویزیون، چه در حوزه بازیگری و چه در حوزه اجرا را دوست دارم و به نوعی کارگر مردم هستم و برایشان کار خدماتی انجام می‌دهم. در هر عرصه‌ای که بتوانم اثرگذار باشم حضور خواهم داشت و حتی اگر بتوانم یک مخاطب را پای تلویزیون بنشانم در کارم موفق عمل کرده‌ام.

بیشتر دوست دارید به عنوان مجری شناخته شوید یا یک بازیگر؟

کسی در جایی از من پرسید تو نقاشی، بازیگری یا کار اجرا می‌کنی؟ پاسخ دادم من فقط حسین رفیعی

متولد محله نظام آباد هستم. همین قدر که مردم در خیابان جواب سلام من را می‌دهند، برای من ارزشمند است و نشان می‌دهد کارم را درست انجام داده‌ام و هیچ کیسه‌ای هم برای سینما، تلویزیون و تئاتر ندوخته‌ام. برای این وارد عرصه کارهای هنری شدم تا به محبوبیت و پول برسم. به محبوبیت رسیدم و پول را هم ان‌شاءالله پیدا می‌کنم.

به نظر می‌رسد آدم تنوع‌طلبی باشید... منظور شما در چه زمینه‌ای است؟ در هر زمینه‌ای. به نظر می‌رسد تنوع‌طلب باشید...

از روزی که وارد فعالیت‌های هنری شدم خودم را یک هنرجو فرض کردم. هنوز هم قائل هستم که باید نکات جدیدی را بیاموزید؟

بله، فرصت برای آموختن مثل خود زندگی محدود و کوتاه است. هنرمندی مثل چارلی چاپلین نقاش، فیلمساز، بازیگر، آهنگساز و نویسنده هم بود. هر شغل و حرفه‌ای نیاز به آموختن و به روز شدن دارد و کسی نمی‌تواند خودش را از آموختن نکات جدید بی‌نیاز بداند. موسیقی هم کار کرده‌ام و دو سالی شاگرد استاد جمشید عندلیبی هم بوده‌ام. سه تار کار کرده‌ام. در دانشگاه شاگرد دکتر آریان پور بوده‌ام. نجاری و رنگ چوب هم بلدم. مرمت و کار پتینه را بلدم. حتی مدتی هم رفتم و خیاطی آموختم. هیچ وقت خودم را محدود به بازی و اجرا نکردم. مدتی هم در رادیو حضور داشتم و روی صحنه تئاتر هم رفتم. البته هنوز هم در هیچ کدام از این رشته‌ها استاد نشده‌ام.



رسیدن به شهرت در ایران کار ساده‌ای است و به نظر شهرت مهم نیست و محبوبیت داشتن مهم است. زمانی همه فکر می‌کردند برای مشهور شدن باید وارد تلویزیون بشوند. الآن خیلی با حضور در فضای مجازی تلاش می‌کنند به شهرت برسند و فیلم‌هایی از خودشان در این فضا منتشر می‌کنند که ممکن است باعث منفور شدنشان بشود، اما برایشان مهم نیست و فقط به بُعد مطرح شدن نامشان اعتقاد دارند و دوست دارند مردم به اسم آنها را بشناسند. صدام حسین هم آدم مشهوری بود و حتی خفاش شب هم که قتل انجام می‌داد در مقطعی به شهرت رسید. مهم این است که شهرت توام با نام نیک باشد. این که در خیابان اعضای یک خانواده تو را بشناسند و به خاطر کارهایت از تو تشکر کنند ارزشمند و متعالی است. معتقدم کار رسانه، پیچیده است و به همین دلیل رسانه ملی تمام کشورها یک سر و گردن کیفیت بهتری نسبت به سایر رسانه‌هایشان دارد. ایران، کشور پهناوری است و جاهایی در آن وجود دارد که فقط دو یا سه کانال تلویزیونی تنها راه ارتباطی با مدیوم رسانه است و مونس و همدم آدم‌هایی که در این جاها زندگی می‌کنند همین تلویزیون است. بنابراین باید رویکرد ما در برنامه‌سازی فراشهری باشد، در واقع تهران و چند شهر دیگر نباید فقط در تلویزیون مورد توجه باشد. وظیفه تلویزیون ضمن سرگرم کردن، ایجاد امید و نشاط است. در کلیت ماجرا، قداست کار اجرا برای من مهم است.



پخش زنده یک درام واقعی



یکی از آیتم‌های ثابت برنامه‌های پخش مستقیم، حضور مجری در کنار کارشناس فوتبال است که عموماً از پیشکسوت‌های شناخته شده این رشته در ایران به حساب می‌آیند. کیفیت این بخش بستگی تمام‌عیاری به تسلط کارشناس در ارائه اطلاعات قبل از بازی به بینندگان در زمانی کوتاه و فشرده دارد. در عین حال برخی کارشناسان از بیان خوبی هم سود می‌برند که تاثیر مناسبی روی مخاطبان دارند و امیر حاج‌رضایی یکی از شاخص‌ترین آنها محسوب می‌شود. در بین دو نیمه هم زمانی بسیار کوتاه در اختیار کارشناس قرار می‌گیرد که یکی از ضعف‌های پخش مستقیم لیگ برتر ایران به حساب می‌آید، چراکه اغلب کلام فرد یاد شده نیمه تمام باقی می‌ماند. در سال‌های اخیر و برای بازی دربی گاه دست به نوآوری‌هایی زده شده که بندرت جواب داده است که برای نمونه می‌توان به حضور بازیگران شناخته شده سینما و تلویزیون در استودیوی برنامه اشاره کرد. در حقیقت تهیه‌کننده برنامه برای بالا بردن وجه سرگرم‌کننده صحبت‌های پیش از بازی حساس از افراد مذکور سود می‌جستند که در یکی از آخرین دربی‌ها به نتیجه خوبی ختم نشد. همچنین باید به صحبت‌های حسینی به عنوان یکی از مجریان برنامه که به تبلیغ برای اسپانسر این دو تیم و ترغیب مخاطبان برای ارسال پیامک به شماره‌های مشخص می‌پردازد، اشاره کرد که گاه بیش از اندازه به نظر رسیده و مخاطب نسبت به آن واکنش مورد نظر سازندگان برنامه را نشان نمی‌دهد.

فوتبال به عنوان پرطرفدارترین ورزش جهان، میلیون‌ها نفر را جذب خود کرده و در این میان تلویزیون با پخش مستقیم مسابقات نقش مهمی در این امر داشته است. گردش مالی بالای لیگ‌های باکیفیت جهان در کنار جام جهانی و جام ملت‌های اروپا، به مرور پای بهترین و باکیفیت‌ترین دوربین‌ها و دیگر ابزار فنی را به این رشته پرطرفدار و پولساز باز کرده و مخاطبان را به نقطه‌ای رسانده که دیگر هیچ نکته‌ای از بازی از نگاهشان دور نمی‌ماند. در ایران نیز بوضوح پیشرفت بسیاری در پخش مستقیم فوتبال بخصوص در بازی‌های دو تیم پرطرفدار استقلال و پرسپولیس در لیگ برتر صورت گرفته و دیگر بینندگان بازی‌های لیگ ذکر شده برای قضاوت درباره صحنه‌های مشکوک داوری نیاز چندانی به انتظار برای دیدن چندباره آن در برنامه نود ندارند. حال به بهانه دیدار فردا و دربی سنتی تهران، نگاهی می‌اندازیم به نوع پوشش تصویری بازی‌های لیگ برتر از گذشته تا امروز و نیز کیفیت گزارش آنها.

کسری همایونی افشار

از دوربین‌های پرتابل قدیمی تا انقلاب دیجیتال

امروزه وقتی به تصاویر بازی‌های قدیمی فوتبال ایران نگاه می‌کنیم، بیش از هر چیز کیفیت نسبتاً پایین تصاویر و کم تعداد بودن دوربین‌ها کاملاً به چشم می‌آید. دلیل آن هم به کیفیت دوربین‌های غول‌پیکری بازمی‌گشت

کارگردانی بازی‌ها هم بسیار بهتر از گذشته شده، اما همچنان گاه ضعف‌هایی در آن به چشم می‌خورد که از نگاه تیزبین بینندگان هم دور نمی‌ماند. برای مثال می‌توان به جا ماندن از بازی به واسطه سرعت بالای آن اشاره کرد که البته بندرت رخ می‌دهد. البته نمی‌توان از نقش مهم صدابردار هم در پوشش مسابقات بسادگی عبور کرد که با آمدن میکروفن‌های باکیفیت‌تر کنار زمین، بینندگان صدای شفاف‌تری شنیده و خود را درون ورزشگاه حس می‌کنند.

آنچه که داخل استودیو می‌گذرد

تصاویر پخش مستقیم مسابقات فوتبال هر قدر هم که به لحاظ کیفی پیشرفت کنند نیاز به مکمل‌هایی برای بهتر دیده شدن دارند. به همین دلیل هم گزارشگران مسابقات نقش مهمی در بالا بردن کیفیت پخش یک بازی را دارند. یک گزارشگر فوتبال علاوه بر برخورداری از یک صدای خوب و بیان مناسب باید به این ورزش اشراف کامل داشته و در عین حال اطلاعات جانبی مفیدی هم برای لحظات از سکه افتادن بازی داشته باشد. ضمن این که بداند این اطلاعات را کجا و در چه زمانی ارائه کرده و میزان آن را کنترل کند. هیجان دادن به صدا و فراز و فرود بخشیدن به آن نیز دیگر نکته مهم در گزارشگری فوتبال است که نباید در آن افراط و تفریط صورت گیرد. در ۲۰ سال اخیر با ظهور استعدادهای خوبی همچون عادل فردوسی‌پور، مزدک میرزایی، پیمان یوسفی و محمدرضا احمدی کیفیت مناسب‌تری بر این رشته حاکم شده و صداهای یاد شده مکمل خوبی برای تصاویر پخش مستقیم فوتبال هستند.

که در چند نقطه خاص از ورزشگاه آزادی تهران مستقر شده و به ضبط تصاویر بازی می‌پرداختند. یکی دیگر از مسائل مهم و کلیدی در پخش مستقیم بازی‌ها که اغلب در روز برگزار می‌شد، مساله نور بود. به این شکل که بخشی از زمین آفتاب و بخش دیگر سایه بود که همین امر کار را برای تصویربردار و کارگردانی در یک بازی فوتبال این اهمیت کارگردانی در یک بازی فوتبال این روزها کمتر از کارگردانی یک فیلم نیست، چراکه مخاطب انتظار دارد هیچ نکته‌ای از متن و حاشیه بازی از نگاهش دور نماند و در عین حال تصاویر به لحاظ زیبایی‌شناسی هم در سطح مطلوبی قرار گیرند. به همین دلیل هم گاه تعداد دوربین‌ها از ۳۰ عدد هم گذشته و کارگردان تلویزیونی باید از میان آنها تصاویر مورد نظرش را در کوتاه‌ترین زمان ممکن انتخاب کند. کاری که در جام جهانی ۲۰۱۴ عالی انجام شده و در لیگ‌های معتبر جهانی همچون انگلیس، اسپانیا و آلمان نیز به بهترین شکل شاهد آن هستیم. حتی کار به جایی رسیده که دوربین‌های ۳۶۰ درجه هم وارد این کارزار شده و تصاویر حیرت‌انگیزی را از برخی لحظات کلیدی بازی پیش چشم ما قرار می‌دهد. در دو سه سال اخیر و با مجهز شدن شبکه‌های تلویزیونی به سیستم دیجیتال، بوضوح شاهد پخش بازی‌های داخلی باکیفیت بسیار مناسبی هستیم که البته هنوز با استانداردهای جهانی فاصله دارد. اختصاص یک یا دو دوربین به حواشی بازی در کنار چند دوربین دیگر برای ضبط خود بازی از جمله تدابیر شبکه سه سیما برای بازی‌های مهمی همچون دربی تهران است که به آن می‌توان هلی‌شات‌های بالگردهای کوچک را اضافه کرد. وضعیت



این انیمیشن‌های دوست‌داشتنی

مجید همتی

پیام‌های بازرگانی از همان ابتدا مخاطبان خاص خود را داشتند در واقع این نوع آثار با استفاده از جلوه‌های خاص تصویری - که البته بیشتر انیمیشن بود - در کمترین زمان ممکن پیام خود را به مخاطب منتقل می‌کردند. طبیعی هم بود که با گذشت زمان بیش از همه این پیام‌های بازرگانی و نمونه‌های مشابه آن باشند که دچار تغییر شده و تجربه‌های نو جایگزین تجربه‌های قدیمی و کهنه شوند. با گذشت زمان در کنار رونق و البته پیشرفت آثار تصویری در این زمینه، هنرمندان هم دست به تجربه‌های تازه‌ای زدند که بیشتر امکانش نبود.

ساخت انیمیشن‌های جذاب لزوماً به پیام‌های بازرگانی محدود نشد و در ادامه برای انتقال بسیاری از مفاهیم آموزشی، تربیتی و اخلاقی از این مدیوم استفاده شد که شاید به نوعی مجموعه انیمیشن‌های داوود خطر و دوستان از کارهای بهرام عظیمی آغاز این راه پرفراز و نشیب بود. پخش این مجموعه در آن سال‌ها آن قدر با استقبال گسترده مخاطبان همراه شد که طبیعی بود برای «بهینه کردن» و «مصادره به مطلوب کردن» فکری‌هایی شود. این اتفاق چند سال بعد افتاد و کارهای جذاب‌تری به مخاطب عرضه شد. ساخت انیمیشن‌هایی چون «شکرستان» گرچه به صورت مستقیم روی این نوع

انیمیشن‌سازی اثر نگذاشت اما باعث شد راهی را باز کند تا بیش از پیش ظرفیت‌های نهفته هنر انیمیشن در تعامل بیشتر با مخاطب ایرانی آشکار شود. به جرات می‌توان گفت که ایده مجموعه «دیرین دیرین» اینچنین شکل گرفته است. یعنی اثری انیمیشن که در تعامل و مواجهه با مخاطب، بیشتر و بیشتر به منویات و خواسته‌های او نزدیک شود. تسهیل در ساخت و استفاده صحیح از گویش‌ها باعث شده این اثر جایگاه ویژه‌ای بین

مخاطبان خود باز کند. شاید یکی از دلایل این استقبال گذشته از انتخاب سوژه‌ها، قابل فهم، نحوه اجرا و نیز نوع گویش شخصیت‌های این مجموعه انیمیشن به همراه تکیه کلام‌های آن است که این مجموعه را در بین مردم محبوب کرده است. علی درخشی، کارگردان این مجموعه انیمیشن درباره چرایی ساخت آن گفته است: در همه جای دنیا مخاطب کاریکاتور کمتر از انیمیشن و کارهای تصویری متحرک است. من هم چون به دنبال

تاثیرگذاری بیشتر بودم برای بیان حرف‌هایم سراغ این مدیوم آمدم. البته کاریکاتور شخصی تر است و من می‌توانستم ایده‌هایم را راحت‌تر اجرا کنم اما در انیمیشن تا ایده به اجرا می‌رسد ممکن است از هدف اولیه شما کمی دورتر شود. با این وجود حق این است که از پدیده این سال‌های دوبله یعنی محمدرضا علیمردانی هم سخنی به میان بیاوریم. که به هنرمندانه‌ترین شکل ممکن تصاویر انیمیشن را همراهی می‌کند و خنده را بر لبان مخاطبان می‌آورد.

مزایده ۲۶۲۹ و ۲۶۲۸ و ۹۵/۲۶۲۷ خودرو و اقلام مؤسسه کوثر

مؤسسه کوثر در نظر دارد، تعداد ۲۰ دستگاه انواع خودرو، موتورسیکلت و نیز اقلام نو و مستعمل ذیل را از طریق مزایده کتبی - حضوری به فروش رساند.

پیکان (سواری و وانت) - مزدا وانت (۱۶۰۰ و ۲۰۰۰) - پژو سواری (روا، اردی و ۴۰۵ GLX) - نیسان وانت - موتورسیکلت آمیکو CDI ۱۲۵ - موتورسیکلت هوندا CG ۱۲۵

❖ **اقلام اسقاط:**

لوازم صوتی، تصویری و اداری - لوازم گرمایی و سرمایی - کمد، فایل، میز و صندلی - چادر گروهی - یقلوی - ترانس برق

❖ **آدرس محل بازدید:** بوشهر - خیابان تنگک یک، موقعیت آماد و پشتیبانی امام علی (ع)، تلفن: ۰۹۱۶۸۰۲۳۶۳۳ و ۰۹۱۷۱۷۳۴۹۷۷

❖ **اقلام نو: (مزایده به صورت کتبی حضوری)**

الکتروت و سیم جوش - لوازم برقی - اتصالات مختلف - ابزار آلات - انواع لوله پلی اتیلن - انواع قوم و پشم سنگ راییتس - شات و گروت - لوازم اداری

❖ **اقلام اسقاط:**

انواع رنگ - روان کننده بتن - شمش آهن - لوازم صوتی، تصویری، اداری و خانگی - ابزار آلات صنعتی - کمد، فایل، میز و صندلی - دستگاه ماسه شور - انواع کانکس - سیلو سیمان - انواع تانکر - بلوک زن - دستگاه بچینگ - بتونیر - تخت خواب - سرویس بهداشتی و حمام صحرایی - آهن آلات ضایعاتی - تخته بنایی - انواع ژنراتور - گیوتین برقی - دریل ایستاده - موتور برق - ورق خم کن برقی - کمپرسور باد - دستگاه پنوماتیک - دیوار گچی - پمپ بتن شوئینگ

❖ **آدرس محل بازدید:** بوشهر، جزیره خارک، جنب پلاژ بانوان، مؤسسه دریا ساحل، پروژه NGL، تلفن: ۰۹۱۷۱۲۵۱۳۲۷

آلومینیوم و آهن آلات ضایعاتی - لوله خرطومی ۸ اینچ - کابل ضایعاتی - تخت - تانکر - ابزار آلات - انواع موتور جوش - اره نوار اتوماتیک تراشکاری - لوازم سرمایی و گرمایی - لوازم صوتی، تصویری و اداری - بشکه ۲۲۰ لیتری

❖ **آدرس محل بازدید:** بوشهر - خیابان طالقانی، روبه روی پمپ بنزین وزیری، کوچه فنی و حرفه‌ای، درب اول سمت راست، مؤسسه شهید محلاتی، تلفن: ۰۹۱۷۴۸۱۵۹۶۷ و ۰۹۱۶۸۰۲۳۶۳۳

❖ **آدرس محل بازدید:** برازجان - فلکه شهید گنجی، خیابان ضلع شرقی، پشت پادگان مهندسی سپاه برازجان، معاونت مهندسی سپاه برازجان، تلفن: ۰۹۱۷۳۷۶۳۹۵۳

فلت بار مازاد کشتی - انواع ژنراتور - اره برش کالتن باخ - مولد مکانیکی - آسانسور - اره آسفالت بر - انواع آون - انواع موتور جوش - مگنت - استارت و دینام - یخچال - کمپرسور سردخانه - موتور ۶ سیلندر کاتر پیلار - انواع کمپرسور هوا - موتور دیزلی دویتس با گیربکس - ضایعات فلزی - بلوک‌های ساخته شده مازاد کشتی - PTP مازاد کشتی و اتصالات - پمپ بتن - کمپرسور دیزلی کاتر پیلار - لوله خم کن هیدرولیکی - انواع جرثقیل سقفی - بچینگ - آهن آلات ضایعاتی - استیل ضایعاتی - انواع کیسول - ضایعات مس - برش گرم - موتور دیزلی ۴ سیلندر - انواع ماتیتور - پلیت‌های مازاد کشتی

❖ **آدرس محل بازدید:** بوشهر - ۵ کیلومتر ۵ جاده برازجان، جاده شیف، کشتی سازی صدرا، تلفن: ۰۹۱۶۸۰۲۳۶۳۳ و ۰۹۱۷۳۷۱۳۰۱۲

❖ **(الف) شرایط مزایده:**

۱- اهلیت قانونی خریدار (همراه داشتن کارت ملی الزامی می‌باشد). ۲- متقاضیان مزایده می‌بایست به محض برنده شدن میزان سپرده مشخص شده را به صورت نقدی از طریق کارت‌های بانکی عضو شبکه شتاب و یا چک پول به شرح ذیل به فروشنده پرداخت نمایند: ۲/۱- هر دستگاه خودرو سبک ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۲/۲- هر دستگاه موتورسیکلت ۱۰٪ قیمت فروش ۳- خریداران اقلام نیز به محض برنده شدن موظفند ۱۰٪ قیمت فروش را به عنوان سپرده بپردازند. ۴- متقاضیان مزایده کتبی می‌بایست در ایام بازید نسبت به دریافت پاکت شرکت در مزایده اقدام نموده و سپرده مورد نظر (۱۰٪ قیمت پیشنهادی) را به صورت چک بانکی در وجه خود تهیه و همراه با فرم به فروشنده تحویل نمایند. ۵- در صورت انصراف خریدار، سپرده به تفع فروشنده ضبط خواهد شد. ۶- خریدار مکلف است علاوه بر قیمت خرید ۲٪ بابت هزینه‌های جایی مزایده و ۹٪ بابت مالیات بر ارزش افزوده به فروشنده پرداخت نماید. ۷- فروشنده در رد یا قبول پیشنهادها مختار می‌باشد. ۸- کلیه هزینه‌های پس از فروش به عهده خریدار می‌باشد.

❖ **(ب) زمان و مکان:**

❖ **زمان بازدید مزایده:** روزهای دوشنبه و سه شنبه ۲۵ و ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۵ صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و عصر ۱۴ الی ۱۶

❖ **زمان برگزاری مزایده:** روز چهارشنبه ۱۳۹۵/۱۱/۲۷

❖ **آدرس محل برگزاری مزایده:**

ساعت ۹ صبح: بوشهر - خیابان تنگک یک، پادگان آماد و پشتیبانی امام علی (ع)، تلفن: ۰۹۱۶۸۰۲۳۶۳۳ و ۰۹۱۷۱۷۳۴۹۷۷

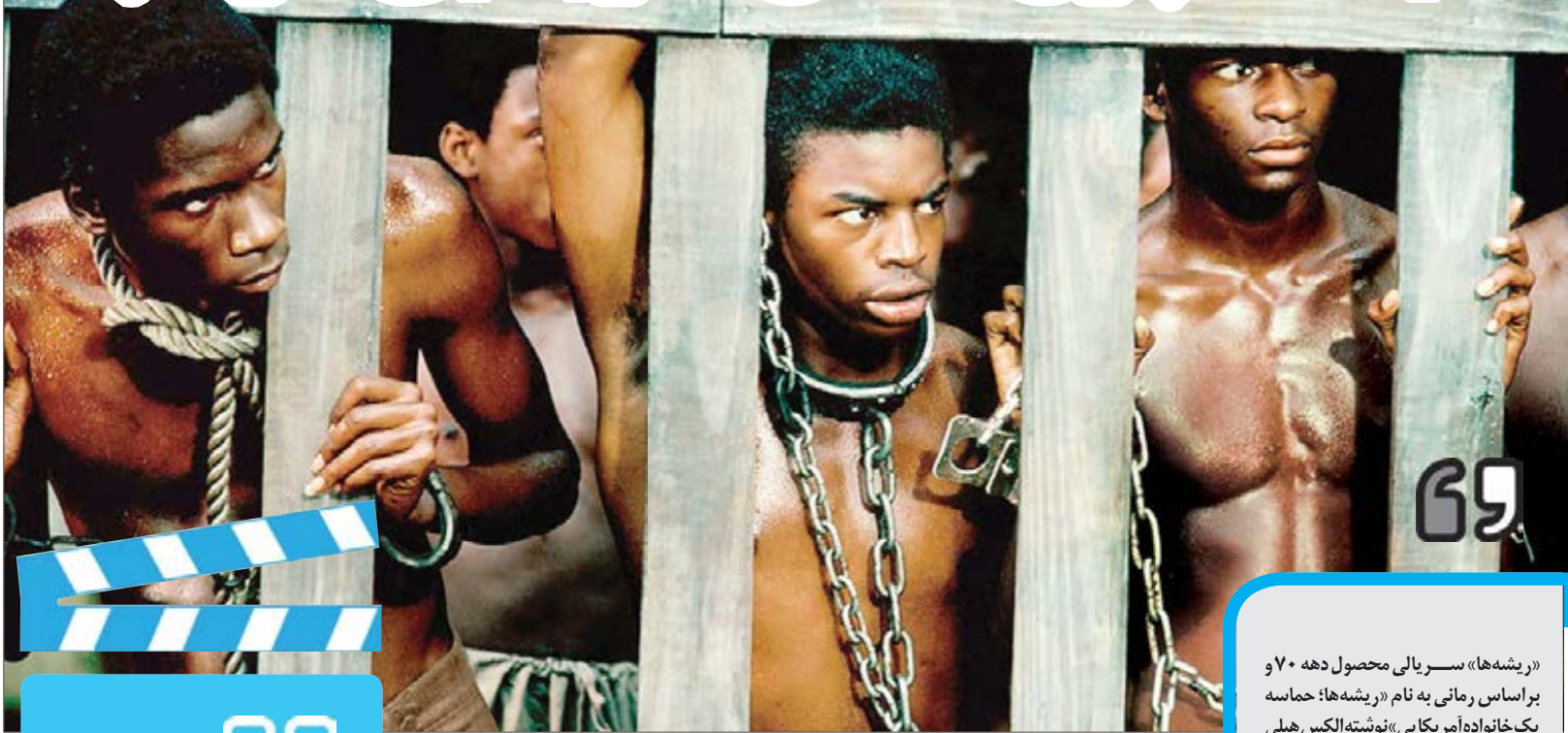
ساعت ۱۱ صبح: بوشهر - ۵ کیلومتر ۵ جاده برازجان، جاده شیف، کشتی سازی صدرا، تلفن: ۰۹۱۶۸۰۲۳۶۳۳ و ۰۹۱۷۳۷۱۳۰۱۲

ساعت پاسخگویی صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و عصر ۱۴ الی ۱۶ مدیریت مزایده: ۰۲۱-۴۴۵۴۹۱۲۵ مدیریت خدمات پس از فروش: ۰۲۱-۴۴۵۴۹۱۱۶-۷

آدرس اینترنتی: www.Kosar-Net.ir

«ریشه‌ها؛ نسل بعدی» روی آنتن شبکه نمایش

سیاه همچون اعماق آفریقای خودم



۹۹

۹۹

هنری فوندا و مارلون براندو دونفر از بزرگ‌ترین بازیگران تاریخ سینمای جهان در این سریال ایفای نقش کرده‌اند. مارلون براندو برای بازی در فصل هفتم این سریال و در نقش جورج لینکلن راکول جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل امی را -که معتبرترین جشنواره تلویزیونی است- به دست آورد. سریال ریشه‌ها؛ نسل بعدی نیز مانند فصل اول در جشنواره‌های معتبر موفقیت‌هایی به دست آورد و علاوه بر کسب جایزه بهترین بازیگر مکمل این سریال، موفق به کسب جایزه بهترین مینی‌سریال در همان سال شد. این سریال نامزد دریافت جایزه بهترین سریال تلویزیونی از گلدن گلوب نیز بود که در نهایت موفق به کسب جایزه نشد.

قرن نوزدهم آغاز و تاده ۶۰ میلادی در قرن بیستم ادامه دارد. در این قسمت داستان در قالب رویدادهای تاریخی مهم اواخر قرن نوزدهم و بیستم چون جنگ جهانی اول، رکود بزرگ و جنگ جهانی دوم و مشکلات و مسائل مربوط به نژادپرستی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی قرن بیستم در آمریکا به روایت درآمده است.

ریشه‌ها؛ فصل اول

فصل اول سریال ریشه‌ها مانند رمان الکس هیللی یک اثر پرمخاطب در زمان پخش خود بود. سریال ریشه‌ها در رشته‌های بسیاری برای دریافت جایزه‌های بهترین برنامه تلویزیونی نامزد و موفق شد در ۹ رشته جایزه امی سال را بربرد. این سریال همچنین موفق به کسب جایزه گلدن گلوب همان سال برای بهترین سریال سال شد. نکته جالب اینجاست که این سریال در بسیاری از نظرسنجی‌های معتبر هنوز هم جزو پنج سریال برتر تاریخ است. این سریال با بودجه‌ای معادل ۶/۶ میلیون دلار تولید شد و همچنین محلی برای معرفی لیور برتون، بازیگر نقش کونتا کینته بود. این سریال به قدری مورد توجه بود که سال‌های ۱۹۷۹ و ۲۰۱۶ نسخه‌های دیگری از آن بازسازی شد. سریال ریشه‌ها در زمان پخش به دلیل خشونت‌هایی که برای آن زمان زیادی به نظر می‌آمد بیش از هشت شب متوالی پخش نشد. نکته قابل توجه دیگر این که تهیه‌کنندگان و کارگردانان تصمیم گرفتند برای ایفای نقش بازیگران سفیدپوست دست به یک حربه بزنند. داستان ریشه‌ها براساس ظلم به سیاهان در دوران برده‌داری توسط سفیدپوستان است و سازندگان این سریال برای انتخاب نقش سفیدپوستان در

رمان یک داستان نیمه مستند است که به شکلی واقعگرایانه روایت می‌شود. داستان با تولد کونتا کینته در دهکده‌ای در شرق آفریقا آغاز شود. اما وقتی او بزرگ می‌شود توسط سوداگران برده دزدیده شده و با کشتی به آمریکا منتقل و به‌عنوان برده فروخته می‌شود. ریشه‌ها داستانی با نگاهی تاریخی به بیان رویدادهای مهمی چون پیدایش کشور ایالات متحده، جنگ داخلی و شورش برده‌ها علیه برده‌داری می‌پردازد.

درام زندگینامه‌ای

سریال ریشه‌ها ابتدا سال ۱۹۷۷ براساس داستان کتاب ریشه‌ها؛ حماسه یک خانواده آمریکایی ساخته شد. الکس هیللی، فیلمنامه این سریال هشت قسمتی را هم نوشت. ماروین جی چومسکی، جان ارمن، دیوید گرین و گیلبرت موسز کارگردانان این درام زندگینامه‌ای هستند. جان آموس، بن ورین، لوئیس گوست جونیور، لزی اوگامس و ویک مورو بازیگرانی هستند که در این سریال به ایفای نقش پرداخته‌اند، اما بعد از موفقیت چشمگیر این سریال تصمیم گرفته شد قسمت دومی براساس هفت فصل باقیمانده کتاب ریشه؛ حماسه یک خانواده آمریکایی به نام ریشه‌ها؛ نسل بعدی ساخته شود.

ریشه‌ها؛ نسل بعدی

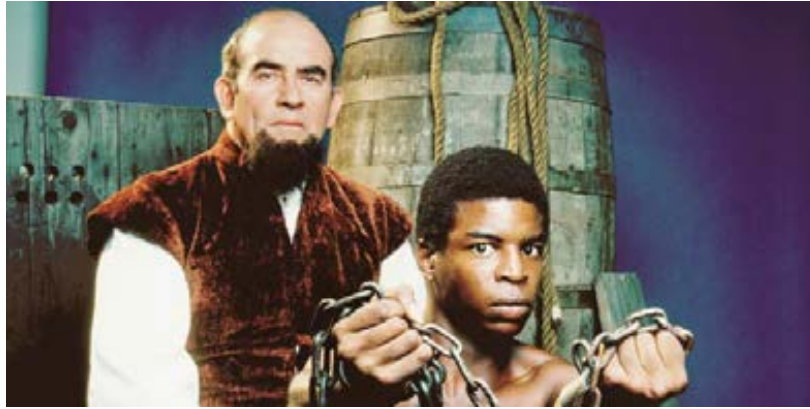
سریال ریشه‌ها؛ نسل بعدی در ادامه سریال ریشه‌هاست که براساس همین رمان ساخته شد. ریشه‌ها داستان زندگی برده‌ها و آفریقایی‌های مهاجر به آمریکا را تا پس از جنگ داخلی در این کشور به تصویر می‌کشد. اما در قسمت دوم که با نام ریشه‌ها؛ نسل بعدی ساخته شد داستان از

«ریشه‌ها» سریالی محصول دهه ۷۰ و براساس رمانی به نام «ریشه‌ها؛ حماسه یک خانواده آمریکایی» نوشته الکس هیللی ساخته شده است. این مجموعه تلویزیونی که در هشت قسمت ساخته شده درباره برده‌داری سیاهپوستان در قرن هجدهم در کشور آمریکا است. این سریال در زمان پخش یکی از پرمخاطب‌ترین سریال‌ها بوده و جوایز مهمی چون امی و گلدن گلوب را به دست آورده است. بعد از لغو قانون برده‌داری، سیاهان همچنان زیر بوغ تحقیر و برده‌داری نوین جامعه سفیدان آمریکا هستند. در «ریشه‌ها؛ نسل بعدی» داستان از سرگذشت جد مادری الکس هیللی آغاز می‌شود و ضمن مرور اتفاقات و ستم‌هایی که بر جامعه رنگین‌پوستان آمریکا در دوران جنگ جهانی اول و دوم می‌شود، به زندگی مالکوم ایکس و زندگی الکس هیللی، نویسنده کتاب می‌پردازد.

امید ذاکری نیا

ریشه‌ها؛ حماسه یک خانواده آمریکایی

ریشه‌ها؛ حماسه یک خانواده آمریکایی کتابی نوشته الکس هیللی نویسنده معاصر آمریکایی است. هیللی در این کتاب داستان زندگی اجدادش در دوران برده‌داری آمریکا را به رشته تحریر درآورده است. داستان در قرن هجدهم میلادی و در دوران اوج برده‌داری در آمریکا به بیان دردها و رنج‌های سیاهپوستان می‌پردازد.



این سریال با چالش بزرگی مواجه شدند. آنها برای حل این مشکل که هنوز تمایلات نژادپرستانه به شکل آشکار وجود داشت دست به ابتکار زده و از بازیگرانی استفاده کردند که علاوه بر شهرت دارای محبوبیت بودند؛ چرا که این باعث می‌شد مخاطبان حس انزجار به آن شخصیت‌ها و در نهایت سریال پیدا نکرده و از حواشی احتمالی جلوگیری کنند. گفته می‌شود مینی سریال ریشه‌ها را حدود ۱۴۰ میلیون بیننده دیده‌اند. تخمین زده می‌شود قسمت پایانی سریال حدود صد میلیون بیننده داشته باشد و به‌طور متوسط ۸۰ میلیون نفر هر قسمت از هشت قسمت این سریال را تماشا کرده‌اند. نکته جالب دیگر این که ۸۵ درصد خانواده‌ها تمام یا بخشی از این سریال را تماشا کرده‌اند و این باعث شد سازندگان اثر دو سال بعد یعنی سال ۱۹۷۹ تصمیم به ساخت مجموعه‌ای دیگر براساس رمان ریشه‌ها بگیرند که نامش ریشه‌ها: نسل بعدی شد.

بزرگان بازیگری در فصل دوم

اما در فصل دوم سریال ریشه‌ها عوامل مطرح و سرشناس از جمله بازیگران بزرگ سینمای جهان حضور یافتند. هنری فوندا و مارلون براندو دو نفر از بزرگ‌ترین بازیگران تاریخ سینمای جهان در این سریال ایفای نقش کرده‌اند. مارلون براندو برای بازی در فصل هفتم این سریال و در نقش جورج لینکلن را کول جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل امی را - که معتبرترین جشنواره تلویزیونی است - به دست آورد. سریال ریشه‌ها: نسل بعدی نیز مانند فصل اول در جشنواره‌های معتبر موفقیت‌هایی به دست آورد و علاوه بر کسب جایزه بهترین بازیگر مکمل این

سرقت ادبی

بعد از موفقیت رمان و سپس سریال ریشه‌ها نویسنده‌ای به نام هارولد کورلندر از الکس هیلی، نویسنده رمان ریشه‌ها به دلیل سرقت ادبی و دزدیدن ایده و داستان ریشه‌ها شکایت کرد و مدعی شد که داستان کتاب ریشه‌ها برگرفته از رمانی نوشته خودش به نام آفریقای است. این رمان ۹ سال قبل از انتشار رمان ریشه‌ها در سال ۱۹۶۷ منتشر شده بود. بر اثر شکایت کورلندر مشخص شد که ریشه‌ها داستانی کپی شده از رمان آفریقای است. نکته جالب این که الکس هیلی مدعی شد که کتاب آفریقای کورلندر را نخوانده است، اما یکی از دوستان او در دادگاه شهادت داد که درباره رمان آفریقای و داستان این کتاب با الکس هیلی مفصل صحبت کرده است.

سریال، موفق به کسب جایزه بهترین مینی سریال در همان سال شد. این سریال نامزد دریافت جایزه بهترین سریال تلویزیونی از گلدن گلوب نیز بود که در نهایت موفق به کسب جایزه نشد. از دیگر موفقیت‌های این سریال نامزد شدن در پنج رشته برای دریافت جوایز بهترین گریم، سه نامزد بازیگر نقش مکمل در سه قسمت از این فصل و فیلمنامه اقتباسی بود.

۱۰ میلیون دلار افزایش بودجه

فصل دوم سریال ریشه‌ها با عنوان ریشه‌ها: نسل بعدی از افزایش بودجه‌ای به ارزش ده میلیون دلار برخوردار بود. در حالی که فصل اول این سریال با بودجه ۶/۶ میلیون دلاری ساخته شد، فصل دوم به دلیل تولید سنگین‌تر و حضور بازیگران و عوامل سرشناس‌تر با بودجه‌ای معادل ۱۶/۶ میلیون دلار به مرحله تولید رسید.

■ سریال ریشه‌ها ابتدا براساس داستان کتاب ریشه‌ها: حماسه یک خانواده آمریکایی ساخته شد. الکس هیلی نویسنده رمان، چومسکی، جان ارمن، دیوید گرین و گیلبرت موسز کارگردانان این درام زندگینامه‌ای هستند. جان آموس، بن ورین، لوئیس گوست جونیور، لزی اوگامس و ویک مورو بازیگرانی هستند که در این سریال به ایفای نقش پرداخته‌اند، اما بعد از موفقیت چشمگیر این سریال تصمیم گرفته شد که قسمت دوم براساس هفت فصل باقیمانده کتاب ریشه: حماسه یک خانواده آمریکایی به نام ریشه‌ها: نسل بعدی ساخته شود.

■ الیا کازان، کارگردان سرشناس سینمای هالیوود و جهان، اولین کسی بود که به الکس هیلی پیشنهاد تبدیل رمانش به یک اثر تلویزیونی را داد. این دو زمانی که کازان قصد داشت فیلمی براساس زندگی مالکوم ایکس و براساس رمان هیلی بسازد با یکدیگر آشنا شدند، اما هیلی پیشنهادهای مالی الیا کازان را نپذیرفت و بعد از رایزنی با ۵۰ هزار دلار، حقوق مربوط به تبدیل رمان به سریال را به کمپانی کلمبیا واگذار کرد.

سریال ریشه‌ها در دهه ۱۹۷۰ و در حالی که قدرت رسانه‌ای و تلویزیونی هنوز اندک بود در ۵۰ کشور جهان روی آنتن رفت.

مزایده ۲۶۲۶ و ۹۵/۲۶۲۵ خودرو و اقلام مؤسسه کوثر

مؤسسه کوثر در نظر دارد، تعداد ۶۰ دستگاه انواع خودرو ماشین‌آلات و نیز اقلام مستعمل ذیل را از طریق مزایده حضوری به فروش رساند.

تنوع خودرو:

پیکان (سواری و وانت) - مزدا وانت ۲۰۰۰ - پژو سواری (آردی و ۴۰۵ GLX) - نیسان وانت - تویوتا وانت FJ ۷۵ - سهپند وانت ۴۰۰۰ - مینی بوس هیوندا - مینی بوس ایویکو - بنز کامیون کمپرسی ۲۶۲۸ - لودر کوماتسو (W ۹۰ و WA ۴۷۰) - بلدوزر کوماتسو D ۶۵ - لودر ولو ۴۶۰۰ - غلتک هپکو CA ۲۵

تنوع اقلام:

رموک لبه‌دار ۲ محور - اتاق عقب ۹۱۱ - اتاق بارجویی خاور - اتاق عقب تویوتا

آدرس محل بازدید: کرمانشاه - کیلومتر ۵ جاده بیستون، نرسیده به پل پایانه، روبه‌روی پمپ بنزین ایثار، به‌طرف روستای سیاه بید، مرکز آماد و پشتیبانی سپاه نبی اکرم (ص)

آهن‌آلات ضایعاتی

آدرس محل بازدید: کرمانشاه - سر پل ذهاب، جاده ثلاث باباجانی، روستای گرده نو، سمت راست، روستای تپله سفید، سد ازگله

آهن‌آلات ضایعاتی

آدرس محل بازدید: ایلام - ایوان غرب، سه‌راهی سومار، به طرف سومار، سد سومار

الف) شرایط مزایده:

۱- اهلیت قانونی خریدار (همراه داشتن کارت ملی الزامی می‌باشد)
۲- متقاضیان مزایده می‌بایست به محض برنده شدن میزان سپرده

ساعت پاسخگویی صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و عصر ۱۴ الی ۱۶ مدیریت مزایده: ۰۲۱-۴۴۵۴۹۱۲۵

مدیریت خدمات پس از فروش: ۰۲۱-۴۴۵۴۹۱۱۶ آدرس اینترنتی: www.Kosar-Net.ir

به بهانه پخش سریال «وضعیت سفید» از شبکه آی فیلم

جنگ تحمیلی، خانواده و سریال‌های تلویزیونی



۹۹

وضعیت سفید خانواده گلکار

مهم‌ترین سند تصویری ساخته‌شده از سال پایانی جنگ و دوران موشک‌باران تهران که با ظرافت بسیار به تصویر کشیده شده و در تماشای چندباره آن می‌توان به ظرایف آن بخوبی پی برد. خانواده پرجمعیت گلکار در دوران هولناک موشک‌باران شهر بهانه‌ای برای به تصویر کشیدن وضعیت خانواده‌های ساکن تهران در آن ایام است. حمید نعمت‌الله در وضعیت سفید، گلکارها را به عنوان یک جامعه کوچک در نظر گرفته و شخصیت‌هایی را شکل داده که هر یک از آنها برای مخاطب بخصوص متولدین دهه ۴۰ و ۵۰ آشنا و ملموس به نظر می‌رسند. این سریال که این روزها در حال بازپخش از شبکه آی فیلم است، از جمله سریال‌هایی است که می‌توان بارها و بارها به تماشای آن نشسته و از قصه سرشار از ظرافت آن لذت برد.

دولت مخفی و قصه سعید و پروانه

این سریال هم یکی دیگر از نمونه‌هایی از این دست است که زندگی خانواده‌ای نسبتاً ثروتمند را در قسمت‌های ابتدایی به تصویر کشیده و با آمدن سعید به باغ آنها رابطه‌ای میان او و پروانه شکل می‌گیرد که با وقوع جنگ به فراق ختم می‌شود. در اینجا هم کارگردان تلاش کرده تا تأثیر جنگ روی خانواده‌ها به تصویر کشیده شود که تا حدودی هم در این امر موفق بوده است. هرچند می‌توانست بهتر و تأثیرگذارتر از کار دربیاید.

بازگشت پرستوها قصه اسرایی را به تصویر کشیده که روزگار سخت و پرمشقتی را در اردوگاه اسرای جنگی عراق گذرانده و در این مسیر تلخی بسیاری را از سر می‌گذرانند. طالبی به موازات این قصه جذاب، زندگی خانواده یکی از آنها با بازی داوود رشیدی را به تصویر کشیده که در بیم و امید نسبت به سلامت آنها به سر می‌برند. در بخش دوم مخاطب با یک خانواده انقلابی ایرانی همراه شده و با آنها احساس نزدیکی بیشتری می‌کند. در نقطه مقابل خانواده ثروتمندی هستند که از جنگ به بهترین شکل ممکن برای ثروت‌اندوزی بهره گرفته و در مسیری کاملاً متفاوت گام برمی‌دارند. یکی از نقاط قوت این سریال بازی‌های خوب و روان گروه بازیگران آن بخصوص زنده‌یاد داوود رشیدی، سیاوش طهمورث و کنایون ریاحی است که به هر چه واقعی‌تر شدن کار شایانی کمک کرده‌اند.

سفری اودیسه‌وار به جزایه

زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور در سفر به جزایه روایتی تکان‌دهنده از روزهای خون و حماسه را به تصویر کشیده که یکی از قله‌های سینمای دفاع مقدس کشورمان به حساب می‌آید. وی به سبک فیلم - سریال‌های ابتدای دهه ۷۰، نسخه‌ای تلویزیونی هم برای آن در نظر گرفت، با این تفاوت که در این نسخه قصه‌ای تازه نوشته شده و در فلاش‌بک‌ها شاهد نمایش‌های بخش‌هایی از فیلم سفر به جزایه هستیم. داستان سفر عده‌ای نویسنده به مناطق جنگی است که هر یک داستانی برای خود

به نام لیلا که در جنگ خانواده خود را از دست داده و برای یافتن خواهرش به شمال ایران سفر می‌کند. طالبی ملودرام دلنشینی را در گل پامچال خلق کرده که مخاطب را با قهرمانش (لیلا) به همذات‌پنداری واداشته و همدلی آنها را برمی‌انگیزاند. وی همچنین بازی درخشانی از ستاره جعفری در نقش لیلا گرفته و برای سایر نقش‌ها نیز بازیگران مناسبی را برگزیده است که برای نمونه می‌توان به فاطمه معتمدآریا، داوود رشیدی و رضا بابک اشاره کرد.

آتش در خرمن: یک فیلم - سریال با پس زمینه دفاع مقدس

این فیلم - سریال ساخته سعید حاجی‌میری متعلق به دوره‌ای است که سریالی ساخته می‌شد و از دل آن یک فیلم سینمایی هم برای نمایش در جشنواره و گاه اکران عمومی بیرون می‌آمد. آتش در خرمن جزو نمونه‌های اقتباس ادبی تلویزیون است که براساس کتابی به همین نام نوشته حسین فتاحی ساخته شده است. داستان نوجوانی چوپان به نام رحمان که به یکباره با هجوم نیروهای عراقی به روستای خود مواجه شده و دست به کاری بزرگ می‌زند. نقطه قوت این مجموعه تلویزیونی فیلمنامه آن و بخصوص شخصیت رحمان است که در طول داستان پخته و کامل شده و مخاطب را با خود همراه می‌کند.

پرستوها به لانه باز می‌گردند

ابوالقاسم طالبی در مجموعه تلویزیونی

جنگ در همه جای جهان تبعات زیادی به همراه داشته که همین امر دست فیلمسازان را برای ساخت آثاری متفاوت باز گذاشته و در نهایت منجر به خلق آثاری بعضاً درخشان شده است. در ایران نیز جنگ تحمیلی هشت ساله چنین وضعیتی را به وجود آورده و قصه‌های مختلف و متنوعی را در اختیار فیلمنامه‌نویسان و کارگردان‌ها قرار داده است. در این بین سریال‌های تلویزیونی با توجه به طولانی بودن و برخورداری از میلیون‌ها مخاطب بالقوه، قابلیت تأثیرگذاری فوق‌العاده‌ای دارند که همین امر زمینه را برای ساخت آثار متعددی با کیفیت‌های متفاوت فراهم کرده است. خانواده نیز نقش مهمی در شکل‌گیری بسیاری از این آثار داشته و مخاطب از قبل آن می‌تواند اثرات جنگ بر این نهاد مهم اجتماعی را مشاهده کند. بهمن واسفندیار برای ایرانی‌ها یادآور عملیات‌های پرشکوه دوران دفاع مقدس است. پخش دوباره سریال دیدنی وضعیت سفید از شبکه آی فیلم بهانه‌ای شد تا به چند سریال تلویزیونی با موضوع اینجینی بپردازیم.

محمد جلیلود

گل پامچال: دختری به نام لیلا

محمدعلی طالبی که به شهادت کارنامه فیلمسازی‌اش علاقه خاصی به قصه‌هایی با محوریت کودکان و نوجوانان دارد در گل پامچال به سراغ روزهای اولیه جنگ و یورش عراقی‌ها به مرزهای جنوبی کشورمان رفته است. قصه پرفراز و نشیب زندگی دختری

و امیر آقایی اشاره کرد که نقش مهمی در بالا بردن کیفیت نهایی کار داشته‌اند.

در چشم باد و خانواده‌ای برگرفته از ایران

مسعود جعفری جوزانی در این مجموعه تلویزیونی بخش مهمی از تاریخ معاصر ایران را به تصویر کشیده که بخش‌های پایانی آن با روزهای آغازین جنگ تحمیلی تقارن پیدا می‌کند. وی برای پیشبرد داستان خود از خانواده ایرانی بهره گرفته و مخاطب از چشم آنها نظاره گر وقایع تاریخ معاصر ایران است. بازگشت بیژن ایرانی به کشور برای دیدن همسر و پسری که هیچ‌گاه ندیده آن هم درست در روزهایی که خرمشهر اشغال شده و عملیاتی بزرگ و پیچیده برای آزادی آن طراحی شده، ایده بسیار هوشمندانه‌ای برای رساندن کار به یک نقطه اوج درخشان است. دیدار پدر و پسر در خرمشهر آزاد شده و جلوی مسجد جامع شهر که با اصابت ترکشی به بیژن و شهادتش در آغوش پسر همراه می‌شود. در این بین آنچه به جذابیت‌های این پایان افزوده، تلاش جوزانی برای واقع‌نمایی و مستندگونه شدن تصاویر است که کاملاً به باور مخاطبانش می‌نشیند.

قفسی برای پرواز: روایتی دیگر از سقوط خرمشهر

یوسف سیدمهدوی در بخش‌های ابتدایی کار قهرمان جوان خود را معرفی کرده و علاقه‌اش به دختر همسایه خواهرش در خرمشهر را به تصویر کشیده و روی رابطه خصمانه برادر دختر با او تأکید می‌کند. در ادامه بخش‌هایی از درگیری نابرابر مردم با ارتش بعثی را در خرمشهر می‌بینیم که کل شهر و خانواده‌ها را درگیر خود کرده که در نهایت به اسارت هر دو نفر اشاره شده در بالا ختم می‌شود. سیدمهدوی روی خانواده دختر و رنجی که از بابت سقوط شهر کشیده‌اند تأکید زیادی کرده و مخاطب را به همدلی و همراهی با آنها وادار می‌کند. از این منظر می‌توان قفسی برای پرواز را کاری نسبتاً موفق در قاب کوچک تلویزیون به حساب آورد که مانور خوبی روی خانواده در آن ایام داده است.

خود به این شهر رفته و ناهید هم برای یافتن او سفری پرمخاطره را آغاز می‌کند. در طرف دیگر با ضدقهرمان خوب پرداخت شده‌ای مواجه هستیم که همراه با فرزند خردسال از خرمشهر به تهران آمده و زندگی تازه‌ای برای خود دست و پا کرده است. در بخش‌های مربوط به زمان حال با ناهید در هم شکسته و مسن مواجه‌ایم که رازی بزرگ در سینه دارد که آن را از تنها دخترش هم مخفی نگه داشته است. عسگرپور در گل‌های گرمسیری تأثیر مهیب جنگ تحمیلی بر چند خانواده را به شکل مطلوبی به تصویر کشیده و در این مسیر از بازیگران مناسبی هم برای روایت پرفراز و نشیب داستان خود سود جسته است.

خاک سرخ و خانواده‌ای از هم گسسته

یکی از بهترین مجموعه‌های تلویزیونی سه دهه گذشته با مضمون دفاع مقدس که قصه پروپیمانی داشته و به خوبی مخاطب را با قهرمانش (لیلا) همراه و همدل می‌کند. سال‌ها پیش از انقلاب، ایرج به دلیل وابستگی به حزب توده به زندان افتاده و دیگر خبری از خانواده‌اش ندارد. پس از انقلاب و در روزهای منتهی به آغاز جنگ، او که از زندان بیرون آمده به دنبال ردی از همسر و دو دخترش می‌گردد که یکی از آنها بتازگی با مهندسی جوان ازدواج کرده است. حاتمی‌کیا داستان پرفراز و فرودی را تدارک دیده که در همان قسمت نخست با طرح یک معما، قلاب خود را به مخاطب وصل می‌کند. سفر لیلا به خرمشهر برای دیدار با مادر و خواهرش را می‌توان ستون اصلی فیلمنامه خاک سرخ قلمداد کرد که داستان را پرشتاب پیش برده و نقاط عطف درخشانی هم با خود دارد. برای مثال هم می‌توان به رگبار بسته شدن اتومبیل لیلا و همسرش توسط هواپیمای عراقی اشاره کرد که به شهادت مرد جوان ختم می‌شود. در دو قسمت پایانی، سرانجام خانواده چهار نفره ایرج در خرمشهر در حال سقوط گردهم آمده، اما با اسارت ایرج، فراقی دیگر رقم می‌خورد. در کنار شیوه روایت و برخورداری از یک فیلمنامه کلاسیک باید به بازی‌های درخشان گروه بازیگران خاک سرخ از پرویز پرستویی و مهتاب کرامتی گرفته تا لیلا اسکندری، بهناز جعفری

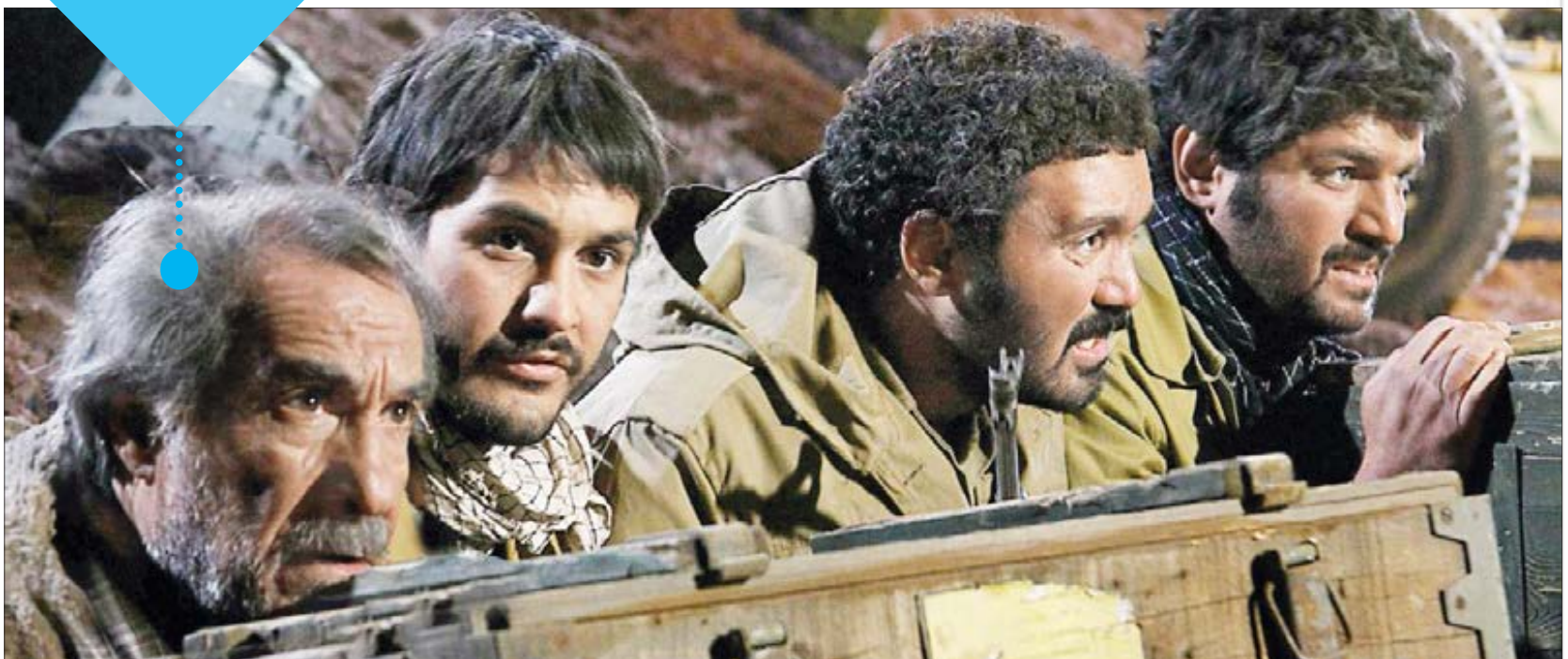
داشته و با گیر افتادن اتوبوسشان در میدان مین دست به افشای درونیات خود می‌زنند. مهم‌ترین مشکل این مینی سریال به کیفیت نسبتاً پایین تصویربرداری آن بازمی‌گردد که بخش مهمی از آن مربوط به دوربین‌های ویدئویی آن سال‌هاست. همین طور تعدد شخصیت‌ها که برخی تیپ‌های تخت و تک‌بعدی هستند و در کنار بعضی دیگر که خوب پرداخت شده‌اند، به اصطلاح بالانس نمی‌شوند. با همه اینها سریال سفر به جزابه به واسطه حضور کارگردان باهوشی به نام رسول ملاقلی‌پور دارای لحظات و سکانس‌های درخشانی است که هنوز هم می‌توان به تماشای آن نشست.

لیلی با من است: یک کمدی جذاب با پس زمینه جنگ

نمونه دیگری از فیلم - سریال‌های ابتدای دهه ۷۰ ساخته کمال تبریزی است که در هفت قسمت ساخته شده و بارها روی آنتن شبکه‌های مختلف تلویزیون رفته است. داستان فیلمبرداری به نام صادق مشکینی که از جنگ می‌ترسد و به نیت جلوگیری از افتادن نوبت وام ساخت خانه‌اش همراه با همکار مسن‌ترش راهی جبهه جنوب می‌شود. پیمان قاسمخانی در لیلی با من است از ایده‌آشنای گونه کمدی (قرار گرفتن فرد در موقعیت اشتباه) به بهترین شکل سود جسته و عمده شوخی‌های درخشان را بر این اساس شکل داده است. در نسخه تلویزیونی لیلی با من است، شاهد مقدمه چینی‌های بیشتری در رابطه با صادق مشکینی و خانواده‌اش هستیم که اطلاعات بیشتری را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. تبریزی با قرار دادن همسر و دختر خردسال صادق و پررنگ‌تر کردن نقش آنها در نسخه یاد شده، از نقش خانواده هم در آن سال‌ها غافل نشده و به شیوه خود و با توجه به مضمون کار به آن پرداخته است.

گل‌های گرمسیری و عاشقانه‌ای در قلب جنگ

محمد مهدی عسگرپور در این مجموعه تلویزیونی دو جوان به نام رسول و ناهید را به عنوان قهرمان خود برگزیده که پیش از آن که ازدواج کنند با شروع جنگ تحمیلی مواجه می‌شوند. رسول اهل خرمشهر برای دفاع از شهر



آن سوی دوربین سینما



علیرضا قاسم‌پیشی

«سانس ویژه» به کارگردانی عباس بهرمان‌ایده جذاب و خلاقانه‌ای دارد که با پیوند زدن سینمای مستند و داستانی سعی می‌کند ارتباطی مستقیم بین مخاطب و سینما به وجود آورد. مجموعه سانس ویژه با نمایش یک فیلم سینمایی از سینمای ایران برای یک گروه خاص، بازخوردها و عکس‌العمل‌ها و نظرات مردم عادی را درباره این فیلم‌ها ثبت می‌کند. این مجموعه سراغ مشاغل و گروه‌هایی می‌رود که به نظر می‌رسد می‌توانند به دلیل شرایط ویژه و خاصشان با سینما

بیگانه باشند. به عنوان مثال کارگران معدن و تماشای فیلم عاشقانه «در دنیای تو ساعت چند است» به کارگردانی صفی یزدانیان و در قسمت بعد فیلم «سیزده» به کارگردانی هومن سیدی و کودکان کار که اتفاقاً این دومی بین سوژه فیلم و مخاطبان خاصش ارتباط مستقیم وجود دارد. فیلمساز در ابتدا به گفت‌وگو با سوژه‌هایش می‌پردازد و در میان این گفت‌وگوها لحظاتی از فیلم را که می‌تواند شباهت فراوانی با صحبت‌ها داشته باشد به نمایش درمی‌آورد و در آخر در یک جلسه فیلم را به صورت کامل برای بچه‌هایی که همگی از نقاط

محروم شهر و از کودکان کار هستند به نمایش درمی‌آورد و نظر آنها را جویا می‌شود. این نظرات ارتباط مستقیمی با دریافت این بچه‌ها از فیلم و مقایسه با زندگی خود دارد و در جاهایی تفاوت مدیوم سینما با واقعیت روشن می‌شود. این نکته که واقعیت بیرونی بسیار خشن‌تر از دنیای ترسیم شده در فیلم است یا مقایسه امکانات قهرمان نوجوان فیلم سیزده با بچه‌هایی که محرومیتشان به حدی است که یکی از آنها با وجود زندگی در تهران، آپارتمان‌های اکباتان را که لوکیشن فیلم است از نزدیک ندیده و نمی‌تواند آن را تشخیص دهد.

«سانس ویژه» هدف‌گذاری‌اش را روی نمایش فیلم برای آشنایی قرار داده که شاید با احتمال ضعیف به صورت تک به تک به سینما می‌روند یا فیلم تماشا می‌کنند اما قطعاً هیچ کدامشان تجربه فیلم دیدن به صورت جمعی در گروهی همسان را نداشته‌اند و به همین دلیل از این امکان می‌توان استفاده‌های بسیاری در بررسی‌های جامعه‌شناسی و مخاطب‌شناسی سینمایی کرد تا بتوان به سلیقه توده‌های مردم و نه قشری خاص نزدیک شد. این نکته از آن جهت حائز اهمیت است که همواره و در طی سالیان دراز سینمای ایران با وجود داشتن دغدغه فراوان برای نمایش واقعیت با چالش‌های زیادی از سوی مخاطبان روبه‌رو بوده است.

«سانس ویژه» مجموعه‌ای است که قطعاً در راه تولید با مشکلات فراوان اداری و بروکراسی روبه‌رو بوده و خواهد بود اما می‌تواند تجربه و فکر جدیدی برای گونه‌ای از مستندسازی تلویزیونی باشد که به صورت میدانی به بررسی پدیده‌های اجتماعی نهفته در فیلم‌های سینمای ایران می‌پردازد. پدیده‌هایی که گاه به دلیل فراگیر نبودن برای قسمت عمده‌ای از سینما روایات حرفه‌ای کم‌اهمیت جلوه می‌کند اما مسلماً در هر قسمت علاوه بر اهمیت بخشی به موضوع، عامه مردم با گروه‌هایی خاص از مردم آشنا می‌شوند که شاید در حالت عادی هرگز با آنها روبه‌رو نشوند. تجربه‌ای منحصر به فرد و جذاب برای بهتر دیدن سایر شهروندان و اتفاقات پیرامونمان که گاه گرفتاری‌های زندگی مدرن آنها را از یادمان می‌برد.

راز مردان یخی

بهرنگ ملک‌محمدی

قطب جنوب و شمال در سال‌های ابتدایی قرن ۲۰، جان بسیاری از مکتشفان و دانشمندان را گرفته است. ارنست چاکلتون یا شاکلتون مکتشف بریتانیایی یکی از همین ماجراجویان است که در سال ۱۹۲۲ و در راه سفری مجدد به قطب جنوب بر اثر ایست قلبی جان‌اش را از دست می‌دهد. مستند «استقامت» ساخته جورج بافلر به سفر سال ۱۹۱۴ چاکلتون و گروهش به قطب جنوب می‌پردازد که حدود دو سال طول می‌کشد. این سفر از آنجا بسیار مهم است که گروه در جزیره‌ای میان یخ‌های قطبی چیزی حدود یک سال محبوس می‌شود و چاکلتون به اتفاق چند نفر از همراهانش که از قدرت بیشتری برخوردارند، برای یافتن کمک از آنها جدا می‌شوند و پس از چند ماه و به کمک یک کشتی که دولت شیلی در اختیارشان می‌گذارد برای نجات افراد به جزیره الفانت بازمی‌گردند و همه گروه بدون تلفات جانی نجات پیدا می‌کنند و به

انگلستان برمی‌گردند. ابتدای سفر گروه با آغاز جنگ جهانی اول مصادف است و وقتی آنها برمی‌گردند در کشاکش جنگ و کشتار آن گم می‌شوند و حتی این اتهام به آنها زده می‌شود که برای فرار از جنگ به سفر قطب رفته‌اند! و در این میان چند نفر از اعضا به جنگ اعزام می‌شوند و یکی از آنها کشته می‌شود تا این اتهام از آنها دور شود. دیدن مستند «استقامت» با یک شگفتی برای مخاطب همراه است؛ این که حدود صد سال قبل تمام اعضای گروه همراه چاکلتون تمام وقایع و احساسات لحظه‌ای خود را یادداشت کرده‌اند و شگفت‌آورتر این که تمام این نوشته‌ها تاکنون حفظ شده است. نکته‌ای که در ایران هرگز جدی گرفته نمی‌شود و به همین دلیل پژوهش‌های تاریخی و پیرو آن فیلم‌های مستند براساس این وقایع بیشتر براساس شنیده‌ها و حدسیات ساخته می‌شود، اما در مستندی همچون استقامت نوشته‌ها، عکس‌ها و فیلم‌های به‌جامانده از آن سفر و حتی زمان مرگ چاکلتون جایی برای حدس و گمان نمی‌گذارد و همه چیز براساس



مستندات تحلیل و بررسی می‌شود و اگر از همین امروز این فرهنگ در کشورمان نهادینه شود، می‌توان امیدوار بود آیندگان قضاوت‌های منصفانه‌تری درباره ما داشته باشند. مستند استقامت ترکیبی است از تصاویر امروزی و بیشتر تصاویر به‌جامانده از سفر گروه که تریشن دقیقی دارد و بخوبی داستان یک گروه اکتشافی به قطب را شرح می‌دهد. این سفر نه تنها از جهت علمی که از لحاظ اقتصادی و سیاسی هم در زمان خود اهمیت بسیاری داشته و تمام این گروه‌ها مستقیم یا غیرمستقیم مورد حمایت دولت‌های خود

بوده‌اند، اما چاکلتون از بخت بد در دوره‌ای سراغ این کار می‌رود که کل اروپا درگیر جنگی خانمانسوز است و به همین دلیل هرگز آن گونه که باید قدر نمی‌بیند. مردی کنجکاو و وفادار به اعضای گروه که با خوشبینی فراوان همواره به هدفش ایمان داشته و در نهایت هم پیکر بی‌جان‌ش توسط دوستانش در همان برف و یخ به خاک سپرده می‌شود؛ یخ و برفی که تا همین امروز یکی از رازهای بزرگ خلقت است همان گونه که یکی از اعضای گروه می‌نویسد: آنجا و با دیدن کوه‌های یخ به عظمت خلقت خداوند پی بردم...

نمای خارجی

ماجراجویی‌های مستقل و تازه

دو رسانه تلویزیون و سینما سال‌هاست خصومت‌ها را کنار گذاشته و روابطی توأم با احترام متقابل و همکاری با هم را پیشه کرده‌اند. حتی به یکدیگر سوژه و کار هم قرض می‌دهند! هر روز در اخبار هنری، خبرهایی درباره تبدیل شدن یک مجموعه تلویزیونی به فیلمی سینمایی و برعکس مخابره می‌شود. اهل فن در این رابطه نام‌های زیادی برای عنوان کردن دارند. جان ویک تازه‌ترین آنهاست. این بار فیلمی سینمایی راه خود را از پرده بزرگ سینما به صفحه کوچک تلویزیون پیدا و هموار می‌کند. زمانی که در سال ۲۰۱۴ جان ویک اکران عمومی شد، منتقدان سینمایی از آن به‌عنوان یک فیلم نوآر اسم بردند. مدت‌ها بود که فیلمی نوآر روی پرده سینماها دیده نشده بود و همین مساله، استقبال خوب منتقدان از جان ویک را به همراه داشت. همین منتقدان ابراز امیدواری می‌کنند جان ویک تلویزیونی هم حال و هوایی نوآر داشته باشد و تماشاگرانش را به یاد مجموعه فیلم‌های درخشان و کلاسیک نوآر دهه ۶۰ میلادی بیندازد. جان ویک سینمایی با هزینه اندک ۲۰ میلیون دلاری تهیه شد. به همین دلیل فروش جهانی ۸۶ میلیون دلاری آن (که ۴۳ میلیون آن حاصل فروش در آمریکای شمالی بود) حکم فروش سودآور و بالایی برای تهیه‌کنندگانش داشت. تبدیل شدن این فیلم سینمایی به یک مجموعه تلویزیونی، پیروزی دیگری برای تهیه‌کنندگان و دست‌اندرکاران آن به حساب می‌آید.

به گفته درک کاستاد، فیلمنامه‌نویس هر دو نسخه سینمایی و تلویزیونی: «زمان نوشتن فیلمنامه فیلم سینمایی، از چند چیز الهام گرفتم. مهم‌ترین آنها وسترن «خوب، بد، زشت» کلینت ایستوود بود. کاراکتر جان ویک از خیلی جهات، شبیه کاراکتر ایستوود در این فیلم کلاسیک است.

از نوشته‌های استفن کینگ هم الهام گرفتم. حالا در نسخه تلویزیونی جان ویک، فرصت و امکان بیشتری برای گسترش این الهام‌گیری‌ها دارم و می‌توانم با ذکر جزئیات، به آنها بپردازم. خوشحالم که تهیه‌کنندگان فیلم به فکر تولید نسخه تلویزیونی آن افتادند.»

بازگشت تلویزیونی «جان ویک»



۶۹

رسانه تلویزیون برای دوباره‌سازی تلویزیونی فیلم‌های معروف سینمایی، معمولاً سراغ آثار کلاسیک تاریخ سینما می‌رود. اما در این بین می‌تواند استثناهایی هم وجود داشته باشد. «جان ویک» یکی از همین استثناهاست. برخلاف آثار قدیمی سینما که سال‌ها بعد سر از قاب کوچک در می‌آورند، جان ویک از محصولات جدید و معاصر صنعت سینماست که راه خود را به تلویزیون پیدا می‌کند. خبر تولید مجموعه تلویزیونی جان ویک در حالی پخش شده که تهیه‌کنندگان آن را به یک مجموعه فیلم سینمایی تبدیل کرده و قسمت دوم آن همین روزها روی پرده سینماها خواهد رفت! اما این موضوع مانع از ساخت مجموعه‌ای تلویزیونی بر اساس ماجراهای اکشن و دلپره‌آور آن نشده است. قسمت اول فیلم دو سال قبل روی پرده سینماها رفت و با استقبال تماشاگران در کشورهای مختلف جهان روبه‌رو شد.

مترجم: کیکاووس زبیری

کیانو ریوز، بازیگر لبنانی‌تبار هالیوود، در این فیلم در نقش مردی جوان و منزوی به نام جان ویک ظاهر شد. کاراکترهای منفی داستان پس از کشتن سگ جان ویک، خودروی مورد علاقه‌اش را دزدیده و متواری می‌شوند. بقیه داستان فیلم به تلاش‌های جان ویک برای پیدا کردن آدم‌های بد ماجرا و انتقام گرفتن از آنها اختصاص داشت. داستان فیلمنامه مجموعه تلویزیونی جان ویک، ماجراهای بعدی زندگی کاراکتر محوری فیلم سینمایی را دنبال نمی‌کند. انجام این کار به عهده قسمت‌های بعدی مجموعه فیلم آن است! به صورت طبیعی، این پرسش برای تماشاگران تلویزیون و سینما مطرح می‌شود که مجموعه تلویزیونی جان ویک، داستان خود را به کدام سمت می‌برد و برای بینندگان چه چیزی را تعریف خواهد کرد؟

دستور تولید اپیزود اول

شرکت فیلمسازی لاینرگیت تهیه‌کننده اصلی مجموعه تلویزیونی جان ویک است. به گفته مدیران این شرکت مستقل فیلمسازی، داستان مجموعه تلویزیونی به دورانی قبل از شروع داستان قسمت اول نسخه سینمایی برمی‌گردد و به نوعی پیش‌درآمدی بر این داستان است. به این ترتیب، جان ویک تلویزیونی هیچ‌وقت به داستان جان ویک سینمایی

شد یا نه. در حال حاضر، اطلاعاتی در دست نیست که جان ویک تلویزیونی چند ساله است و آیا سن این کاراکتر به سن کیانو ریوز می‌خورد یا نه. تحلیلگران تلویزیونی می‌گویند بخش مهمی از موفقیت نسخه سینمایی جان ویک به دلیل حضور ریوز در نقش این مرد انتقام‌جو است. بر این اساس، نمی‌توان تصور یک جان ویک تلویزیونی را بدون حضور کیانو ریوز داشت. اما اشاره نکردن تهیه‌کنندگان به بازی ریوز در مجموعه تلویزیونی باعث طرح این موضوع شده که او احتمالاً نقشی در آن ندارد که نامی از او هم به میان نیامده است. جالب این که خود ریوز هم این روزها در انتظار عمومی ظاهر نمی‌شود و تلاش رسانه‌های گروهی برای صحبت با او در ارتباط با مجموعه تلویزیونی به جایی نرسیده است.

ایده‌های جذاب داستان

چاد استالسکی هم بدون آن که درباره حضور داشتن یا نداشتن کیانو ریوز در جان ویک تلویزیونی صحبتی کند، چنین می‌گوید: «نتیجه‌ای که همه ما به آن رسیدیم این بود که مجموعه تلویزیونی به صورت پیش‌درآمدی بر داستان نسخه سینمایی آن درآید. زمان تولید قسمت دوم فیلم، این نظریه مطرح شد که چنین کاری را این‌جا و روی پرده سینما انجام دهیم، اما داستان جان ویک به گونه‌ای بوده که می‌توان براحتی ماجراجویی‌های امروزی‌اش را در قسمت‌های تازه نسخه سینمایی دنبال کرد. به همین دلیل، ضرورتی برای بردن داستان به گذشته احساس نمی‌شد.

نزدیک نمی‌شود و در ارتباط با آن قرار نمی‌گیرد. با این حال، هنوز مشخص نیست داستان مجموعه تلویزیونی کدام بخش از زندگی گذشته جان ویک را تعریف خواهد کرد. بر این اساس کسی نمی‌داند فلان یک مجموعه تلویزیونی به داستان کاراکتر اصلی خود، زمان وقوع ماجراها را تا کجا به عقب خواهد برد. دستور تولید اپیزود اول مجموعه صادر شده است. این اپیزود آزمایشی یکساعته را چاد استالسکی کارگردانی خواهد کرد. او کارگردان قسمت دوم نسخه سینمایی هم هست. کار نگارش فیلمنامه آن توسط درک کاستاد (نویسنده فیلمنامه نسخه سینمایی) شروع شده و قرار است کلید فیلمبرداری‌اش اوایل تابستان زده شود. کل صحنه‌های قسمت اول مجموعه در لوکیشن‌های مختلف شهر نیویورک فیلمبرداری می‌شود. سازندگان مجموعه فعلاً ترجیح داده‌اند اطلاعاتی درباره داستان این اپیزود ارائه نکنند.

جان ویک تلویزیونی در یک فصل ۱۳ قسمتی تهیه می‌شود و هزینه تولید آن حدود شش میلیون دلار برآورد شده است. قرار است تعدادی از کارگردانان سرشناس سینما و تلویزیون، اپیزودهای مختلف آن را کارگردانی کنند. هنوز معلوم نیست داستان این مجموعه به گونه‌ای است که راه را برای تولید فصل‌های بعدی آن هم باز می‌گذارد یا خیر. یکی از نکات مهم در ارتباط با جان ویک، موضوع بازیگر اصلی آن است. تهیه‌کنندگان آن هیچ اشاره‌ای به حضور داشتن یا نداشتن کیانو ریوز در مجموعه تلویزیونی نکرده‌اند و این مساله باعث طرح این پرسش شده که آیا او در قاب کوچک هم در نقش جان ویک ظاهر خواهد

موسسه حقوقی سوداگران عدالت صبا
پذیرش وکالت در کلیه دعاوی مطالباتی اعم از مطالبه چک، سفته، رسید، حکم جلب، توقیف اموال، دریافت کواهی انحصار وراثت، کلیه امور کفتری اعم از دادسرا، دادگاه تجدید نظر، دیوان عالی کشور
۸۸۸۳۲۸۹۲ - ۸۸۸۳۰۵۹۸ - ۰۹۱۰۰۳۰۰۴۸۶

۲۲ کیلومتری رشت
ملکی ۲ هکتاری شامل:
باغ، ویلا و سالیزار
قیمت فقط ۷۸۰ میلیون
۰۹۱۱۹۳۰۰۳۹۸

تالار پذیرایی فعال
منطقه ۱۹ خانی آباد نو، ۲۰ متری میعاد دارای ۴ طبقه تالار با ظرفیت ۱۰۰۰ نفر پارکینگ همکف، آشپزخانه زیرزمین باکلیه لوازم، سند آماده محضر
۰۹۱۲۳۲۳۲۰۸۰

برگ سبز و سند کمپانی خودرو
وانت بارکش رنگ سفید مدل ۱۳۶۲
شماره پلاک ۲۲۹ ب ۱۷ ایران ۵۹
شماره شناسی ۳۶۹۳۴۱
شماره موتور ۷۴۰۵۸۲
مفقود و فاقد اعتبار است.

زیباکار
شرکت ساختمانی بهاران سازه
فروش ویلا و لوکس ساحلی (داخل شهرک) فقط با ۲۰ میلیون صاحب ویلا شوید مابقی با شرایط توافقی سند به نام همراه با نگهداری و پارک کودک
۰۹۱۱۲۳۲۸۶۳۰ - ۰۹۳۸۲۰۳۷۳۹۰

سند مالکیت کامیون کمپرسی بنز اتکو به شماره پلاک ۲۴۸ ع ۸۴ ایران ۴۴ و شماره موتور ۳۹۸۲۱۸ و ۹۰۶۹۲۱۰۳۹۸۲۱۸ شناسی NAB952264258930184 به نام مهدی کاشی و زهرا کاشی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

تصویری واقعی از تاریخ معاصر کشور



معمای شاه از جمله سریال‌های تاریخی است که با واکنش‌های مختلفی روبه‌رو شده است. محمدرضا ورزی، کارگردان این سریال پیش‌تر نیز مجموعه‌های تاریخی متفاوتی همچون «عمارت فرنگی»، «تبریز در مه»، «سال‌های مشروطه» و «پدر خوانده» را جلوی دوربین برده است. واقعیت این است که سریال «معمای شاه» توانسته حجم گسترده‌ای از نگاه‌ها را متوجه خود کند و همین در زمانه‌ای که بسیاری از رسانه‌ها به دنبال مخاطب هستند، یک امتیاز بزرگ محسوب می‌شود.

این سریال یک اثر تاریخی سترگ است که می‌کوشد گوشه‌ای از وقایع معاصر را در کنار داستانی جذاب بازگو کند. ورزی برای روایت هر چه بهتر این اثر، جمعی از بهترین هنرمندان کشور را گردآورده و تلاش کرده اثری فاخر با داستانی جذاب را ارائه کند اما واقعیت این است که هر اثر تاریخی موافقان و مخالفان خود را دارد. طبیعی است هر اثری هرچقدر بزرگ‌تر و تأثیرگذارتر باشد این تأثیر را باید در میزان نظرات و واکنش‌های مخاطبان آن دید. تا اینجا معمای شاه نشان داده یکی از تأثیرگذارترین آثار تلویزیونی در حوزه تاریخ معاصر در سال‌های گذشته بوده است. در ادامه گوشه‌ای از نظرات نمایندگان مجلس را درباره این اثر فرهنگی می‌خوانیم:

یک سریال تاریخی موفق

سیداحسان قاضی‌زاده هاشمی، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در باره ویژگی‌های سریال معمای شاه گفته است: سریال «معمای شاه» اشارات خوب و مستندی نسبت به وقایع قبل از انقلاب اسلامی برای نسل جوان امروز داشته است. وی تصریح کرده است: ما تاکنون هیچ تولیدی در خصوص تاریخ معاصر ایران و وقایع قبل از انقلاب اسلامی نداشتیم. ساخت این سریال با وجود اینکه کمی اشکال فنی داشت اقدام بسیار مثبتی از سوی صدا و سیما بود.

نایب رئیس فراکسیون رسانه مجلس خاطرنشان کرده است: نسل جوان و متولدین دهه‌های ۶۰ و ۷۰ این سریال را دیدند و با وقایع تاریخی قبل از انقلاب و فضای حاکم بر آن دوران آشنا شدند.

معمای شاه روایتگر بخش مهمی از تاریخ انقلاب

نایب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس هم با اشاره به ویژگی‌های این سریال تصریح کرده است: سریال «معمای شاه» راوی بخش مهمی از تاریخ انقلاب اسلامی برای نسلی بود که در آن حضور نداشتند.

سهیلا جلودارزاده، نایب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس با بیان اینکه در جامعه امروز لازم است جوانان ما از پیشینه تاریخی انقلاب آگاه شوند به «مجلس تی‌وی» گفته است: سریال معمای شاه، راوی بخش مهمی از تاریخ انقلاب اسلامی برای نسلی بود که در آن حضور نداشتند و این بسیار مطلوب است.

نمایندة مردم تهران در ادامه افزود: اگر بعد از هر قسمت، از افرادی که در آن حوزه کارشناس، صاحب‌نظر یا در جریان مستندات تاریخی بودند، دعوت می‌شد مردم به طور ملموس‌تری در جریان حقایق قرار می‌گرفتند.

عضو فراکسیون رسانه مجلس خاطرنشان کرد: سریال معمای شاه وقایع تاریخی زیادی از دوران پهلوی را بازگو کرد که شاید تا به حال اینگونه به تصویر درنیامده بود. این مجموعه پاسخگوی بسیاری از هجمه‌های تاریخی مربوط به آن دوران بود.

انعکاس تاریخ انقلاب اسلامی

حجت‌الاسلام احمد سالک نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس هم ساخت سریال معمای شاه را یک ضرورت عنوان کرده و افزود: در سریال معمای شاه بخشی از تاریخ و جنایات حکومت پهلوی برای مردم منعکس شد و این کار بسیار بزرگی بود.

وی با بیان اینکه یکی از سریال‌های بسیار خوب در باره انقلاب اسلامی سریال معمای شاه است، خاطرنشان کرد: در این

سریال بخشی از تاریخ و جنایات حکومت پهلوی برای مردم منعکس شد و این کار بسیار بزرگی بود.

سالک تصریح کرد: سریال معمای شاه توانست گوشه‌ای از اقدامات امام خمینی (ره) و حرکت مردم را در انقلاب اسلامی به نمایش بگذارد.

بابی برای گفت‌وگو و تبادل دیدگاه در فضای رسانه‌ای

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی نیز درباره جایگاه سریال معمای شاه در فضای رسانه‌ای کشور گفته است: سریال معمای شاه بابی را برای گفت‌وگو و تبادل دیدگاه در فضای رسانه‌ای در مقابل هجمه‌های گسترده باز کرد که بسیار موفق بود.

حجت الاسلام نصرالله پژمانفر با بیان اینکه سریال معمای شاه بسیار موفق بود، خاطرنشان کرد: این سریال توانست بخشی از تاریخ قبل از انقلاب را به طور واقعی به نمایش درآورد و وضعیت سلطنت پهلوی اول و دوم را به طور مستند روایت کند.

وی تصریح کرد: به دلیل کم کاری شدید جریان‌های گفتمانی انقلابی در چهار دهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین گستردگی دروغ‌پراکنی‌ها، شایعه‌پراکنی‌ها و سیاه‌نمایی‌هایی که طرف‌های مقابل گفتمان انقلاب داشتند متأسفانه در جامعه بخصوص نسل جوان که قبل از انقلاب را درک نکرده‌اند نسبت به علل انقلاب اسلامی و کنار گذاشتن رژیم منحوس پهلوی ایجاد تردیدهایی شده بود که در سریال معمای شاه تلاش شد حقایق تاریخی قبل از انقلاب اسلامی نشان داده شود هر چند که عمق فجایع و جنایات پهلوی بسیار بیشتر از این بود که در این سریال به نمایش گذاشته شد.

وفاداری معمای شاه به تاریخ

نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس هم از ساخت سریال معمای شاه دفاع کرده و گفته است: سریال «معمای شاه» توانست به تاریخ وفادار بماند و حقایقی از خاندان سلطنت پهلوی و جریان شکل‌گیری انقلاب اسلامی را برای نسل نوبازگو کند.

جمشید جعفرپور نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس با بیان اینکه این سریال در بازنمایی تاریخ قبل از انقلاب به ویژه دوران پهلوی توفیق خیلی خوبی داشته گفته است: این سریال صادقانه تاریخ سلطنت پهلوی و جریان شکل‌گیری انقلاب اسلامی را روایت کرد.

وی افزود: در این سریال از منابع مستند در نوشتن فیلمنامه استفاده شده بود و نکته برجسته، گریم خوب و استفاده از شخصیت‌هایی بود که کاملاً از لحاظ ظاهر یادآور شخصیت‌های تاریخی بودند و در این زمینه نیز کار قابل توجهی بود.

نمایندة مردم لارستان با بیان اینکه فیلم و سریال بهترین شیوه برای روایت تاریخ است و سریال معمای شاه از آثار شاخص تاریخ معاصر محسوب می‌شود، گفته است: در زمان حاضر به ویژه در باره نوجوانان که شناختی از دوران پهلوی ندارند و هر روز مورد هجمه رسانه‌های بیگانه برای پاکسازی رفتار سلطنت پهلوی و تظہیر چهره منحوس این خاندان از جنایت و خیانتی که در حق این ملت کردند، قرار گرفته‌اند سریال معمای شاه توانست به تاریخ وفادار بماند و حقایقی را از این خاندان برای نسل نوبازگو کند که باید مورد توجه و تقدیر قرار بگیرد.

پیش به سوی سینمای داستانگو

۹۹



بزرگ‌ترین رویداد سینمایی کشور تمام شد. جشنواره فیلم فجر برای انبوه علاقه‌مندان که حالا تجربه پیش از سه دهه برگزاری مستمر را پشت‌سر دارد، چیزی بیشتر از یک جشنواره معمولی و نمایش چند فیلم است اما واقعیت این است که این جشنواره آینه تمام‌نمای تلاشی سینماگران کشور است و با رصد آثاری که در این جشنواره به نمایش درآمده، می‌توان حدس زد که اوضاع اکران و استقبال مخاطبان از آثار سینمایی در سال آینده چگونه خواهد بود. در مطلب پیش‌رو نگاهی به آثاری داریم که با رویکردهای گوناگون ساخته شده‌اند و طبیعی است که هر کدام هم ویژگی‌های خاص خودشان را داشته باشند.

مهدی غلامحیدری

همان طنزهایی است که پیش‌تر از او دیده‌ایم. آشنای دایی و غافلگیری شاید بزرگ‌ترین شاخصه خوب، بد، جلف باشد و بازیگران فیلم بخصوص حمید فرخ‌نژاد، پژمان جمشیدی و سام درخشانی در نقش‌هایشان خوش درخشیده‌اند.

کمی عجیب است ولی باید در این دسته‌بندی فیلم کمتر مدعی یعنی «شماره ۱۷ سهیلا» به کارگردانی محمود غفاری را هم جا دارد. زهرا داوودنژاد ستاره این فیلم است و به طرز باور نکردنی یکی از مشکلات دامنگیر بخش بزرگی از دختران جامعه در این اثر به تصویر کشیده شده است. فیلم بدون این که بخواهد یا اصراری در این زمینه داشته باشد موفق می‌شود لحظات کمیک جذابی خلق کند.

سینمای اجتماعی: بخش زیادی از آثار سینمای ما، در این دسته‌بندی جای می‌گیرد که به خاطر دربرگیری گسترده آن، موضوعات زیادی را هم شامل می‌شود. در این آثار به طور ویژه زنان و مردان مختلف از طبقات اجتماعی مختلف در موقعیت‌های ویژه قرار می‌گیرند که همین قرار گرفتن در این «موقعیت‌ها» و «انتخابی» که قهرمان‌های داستان به آن دست می‌زنند، این گونه سینمایی را سخت خاص کرده است. مثلاً حامد بهداد در سد معبر ساخته محسن قرائی در نقش یک کارگر شهرداری که زندگی خصوصی‌اش در آستانه بحران قرار دارد درگیر

حوادث انقلاب و جنگ: امسال

فیلم‌های ماجرای نیمروز و ویلایی‌ها جور کش آثاری بودند که با این عنوان به جشنواره ارائه شدند. این دو فیلم آن قدر خوب ساخته شده بودند که ضعف بقیه آثاری را که در این حوزه ساخته شده بودند، پوشاندند. ماجرای نیمروز ساخته محمدحسین مهدویان به حوادث اوایل انقلاب و ترورهای سازمان منافقین و نحوه شناسایی و قتل موسی خیابانی نفر دوم سازمان منافقین و عامل ترور مسئولان دولتی و مردم کوچه و خیابان می‌پردازد. در واقع مهدویان و گروهش با یک چالش اساسی روبه‌رو بوده‌اند و آن ثبت تصویری زنده، قابل فهم و باور از ماجراهای دورانی است که بیش از سه دهه از آن می‌گذرد. ماجرای نیمروز به طور قطع با فاصله بهترین فیلم جشنواره است که هنگام اکران بیشتر درباره آن خواهیم نوشت.

ماجرایی می‌شود که بیشتر از آن که بعد بیرونی داشته باشد، بعد درونی پررنگی دارد. کشمکش که باعث می‌شود قهرمان داستان تلاش کند خود را از مخصصه‌ای که در آن گرفتار آمده برهاند و نکته جذاب داستان این که ما تا انتها نمی‌فهمیم او توانسته بر «وسوسه»‌اش فایق بیاید یا نه. در فیلم «بدون تاریخ بدون امضاء»، ساخته وحید جلیوند اما ما با موقعیت متفاوتی مواجهیم یک دکتر که نقش‌اش را امیر آقایی بازی می‌کند در موقعیتی قرار می‌گیرد که براحتمی می‌تواند از آنچه مسبب آن شده، خود را کنار بکشد، اما برخلاف تصور و بیش از آنچه که ما فکر می‌کنیم او خود را درگیر موضوع می‌کند و در نهایت هم با این که متوجه می‌شویم در قتل کودک نقشی نداشته، اما باز هم خود را به‌عنوان مجرم معرفی می‌کند. داستان فیلم یک روز بخصوص همایون اسعدیان هم کم و بیش همین دستمایه «موقعیت» و «انتخاب» را دارد، مصطفی زمانی روزنامه‌نگاری است که درگیر تهیه گزارش‌هایی با موضوع قاچاق داروست. در همین حال متوجه می‌شود خواهرش تنها چند ماه پیش زنده نیست و از اینجا به بعد همه تلاش این برادر مصروف این می‌شود که به خواهرش کمک کند تا زودتر عمل شود. او هم در انتها باید به انتخابی دست بزند که هم برای او حیاتی است و هم خواهرش. در فیلم کارگر ساده نیازمندیم ساخته منوچهر هادی هم موقعیت‌چینی به شکلی است که در نهایت جوان شهرستانی داستان باید دست به انتخاب بزند، این که در برابر آقاجهان سرکرنش فرو آورد و به خواسته او تن دهد و از عشق دختری که او دوستش دارد دست بشوید یا در برابر آقاجهان و خواسته‌هایش برآشوبد که البته او در نهایت راه دوم را برمی‌گزیند. تمام فیلم‌هایی که نامشان اینجا آمد کم و بیش قهرمانانش مرد هستند که آدم‌های زن داستان را در سایه قرار می‌دهند. البته آثار اجتماعی هم بودند که زنان نقش پررنگی در حوادث آن داشتند. «رگ خواب» حمید نعمت‌الله با بازی لیلا حاتمی احتمالاً یکی از شاخص‌ترین این آثار است. فیلم داستان زن بی‌پناهی است که می‌کوشد به زندگی‌اش سروسامانی بدهد. همه تلاش‌های او با بی‌بست مواجه می‌شود. اما یکباره روزنه‌ای پیدا می‌شود و مردی می‌کوشد به او کمک کند. حمید نعمت‌الله در روایت داستانی که احتمالاً برای مخاطب می‌توانست کسالت‌بار باشد، موفق عمل می‌کند و این برای فیلمی که به نظر می‌رسد چندان مصالح داستانی ندارد امتیاز کمی نیست.

تابستان داغ ساخته ابراهیم ایرج‌زاد هم داستان به ظاهر ساده‌ای دارد. داستان مواجهه دو خانواده، از دو طبقه اجتماعی مختلف. (درست مانند فیلم «بدون تاریخ، بدون امضاء» که هر دو مواجهه، به فاجعه‌ای تمام عیار ختم می‌شود. در واقع یکی از ویژگی‌های فیلم‌های اجتماعی ما این است که از فرط تکرار، بعضاً داستان‌ها شبیه هم شده‌اند.) با این که داستان چهره‌های شاخص مرد هم دارد، اما در واقع نقطه ثقل داستان فیلم، زن‌ها هستند. یعنی مینا ساداتی و پریناز ایزدیار. فیلم بدون این که تظاهر کند یا بخواهد اغراق کند از «تنهایی» و «غربت» آدم‌های اجتماع می‌گوید و باید گفت تا حدود زیادی هم موفق می‌شود به این مهم دست پیدا کند.

اما شاید جذاب‌ترین تصویری که از زن در دل کوران حوادث می‌شود دید، در فیلم ویلایی‌ها ساخته منیره قیدی است که بخوبی کشاکش بین ماجراهای بیرونی و درونی زنان را به تصویر کشیده است. زنانی که به نظر می‌رسد هر آن منتظر هستند تا خبر شهادت عزیزانشان را بشنوند. فیلم در نشان دادن شخصیت‌های زنده و قابل باور موفق است و توانسته گوشه‌ای از ماجراهایی را که بر زنان جامعه ما رفته است بازتابی کند.

علیرضا داوودنژاد هم با فیلم فراری که شخصیت اصلی آن یک دختر شهرستانی است، بازگشت باشکوهی به ژانر مورد علاقه‌اش داشته است. فراری برخلاف چند ساخته پیشین سازنده‌اش داستان سروشکل داری دارد که بخوبی هم روایت می‌کند. ترلان پروانه در این فیلم یکی از ماندگارترین بازی‌هایش را ارائه می‌کند.

سبک زندگی اسلامی - ایرانی در رادیو

۹۹



زیر بنای جامعه سالم را خانواده تشکیل می‌دهد، افراد در یک خانواده متعادل با ارتباط نزدیکی که با یکدیگر دارند، مشکلات خود را مطرح می‌کنند و از دیگر اعضا همفکری و مشورت می‌گیرند، اما آنچه امروزه مشاهده می‌شود این است که افراد خانواده به دلیل مشغله زیاد و از سوی دیگر به دلیل فعالیت در شبکه‌های مجازی، وقت زیادی را برای صحبت کردن با یکدیگر اختصاص نمی‌دهند. همین موضوع باعث می‌شود رفته رفته از یکدیگر دور شده و مشکلات بسیاری برای خود، خانواده و البته جامعه ایجاد شود و برای حفظ صمیمیت خانوادگی لازم است تلاشی دوسویه از سمت پدر و مادرها و فرزندان صورت گیرد، اما این که آنها چگونه باید این روابط صمیمانه خانوادگی را ایجاد و حفظ کنند و چگونه با مشکلات مواجه شوند و آنها را به بهترین شکل ممکن رفع کنند، نیاز به آموزش دارد. رادیو تهران با تهیه برنامه «خانه ما» تلاش می‌کند تا این کاستی‌ها را جبران و خانواده‌ها را به یکدیگر نزدیک‌تر کند.

مریم کریمی

استفاده از قالب نمایشی

علیرضا حبیبی، مدیر گروه این برنامه و گروه اخلاق و زندگی شهروندی رادیو تهران است. او می‌گوید: رادیو تهران با توجه به دامنه وسیع در انتخاب مخاطبان هدف و انواع ارتباط‌ها سعی کرده تا بیشترین میزان مخاطبان ممکن را برای خود تعریف کند. برنامه خانه ما توجه اساسی به نهاد خانواده و جمعیت دارد و در قالب یک خانواده و به صورت نمایشی با حضور کارشناس و مشارکت و تعامل مخاطبان تلفنی و پیامکی تولید می‌شود. از جمله نقاط قوت برنامه خانه ما استفاده از قالب نمایشی در تمام قسمت‌هاست که به عنوان اصلی‌ترین بخش برنامه طراحی شده است، البته در این برنامه و به رابطه دوسویه بین والدین و فرزندان، توجه به نهاد خانواده و روابط زن و شوهر و رابطه بین پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها به عنوان هسته

اصلی خانواده و تکریم آنها تمرکز شده است. وی می‌افزاید: از موضوع‌های این برنامه می‌توان به بررسی طلاق عاطفی و تاثیر آن روی فرزندان، توقعات فرزندان از پدر و مادر به عنوان منبع مالی، جابه‌جا شدن نقش پدر و مادر در خانواده، خانواده موفق و کوشا در زمینه‌های مختلف، زندگی با خانواده همسر (مزایا و معایب)، اعتماد به نفس کاذب همسر و... اشاره کرد. علاوه بر این؛ مشارکت و تعامل مخاطبان، توجه جدی به جایگاه نقش مادر در حمایت معنوی و مسائل عاطفی با همسر و فرزندان و نیز مقوله صلح رحم از دیگر مولفه‌های این برنامه است.

البته از نقش مشورت در بهبود روابط فردی و گروهی و حل سوء تفاهم‌ها و نگرانی‌های خانوادگی و وسعت نظر در انتخاب موضوعات و جنبه‌های مختلف روابط خانوادگی هم غافل نشده است.

مشارکت و تعامل مخاطبان

بخش نمایشی برنامه از همان ابتدا آغاز می‌شود، سعید بارانی در نقش پدر خانواده، فاطمه سرلک در نقش مادر خانواده و ستاره نقدی در نقش فرزند خانواده ایفای نقش می‌کنند. داستان درباره مادری است که از همه چیز می‌ترسد و این ترس به فرزند او هم سرایت کرده است. حماد خزائی یکی از تهیه‌کننده‌های برنامه

است که به مدت ۵ سال تهیه برنامه خانه ما را بر عهده دارد، او می‌گوید: در این پنج سال برنامه ما به لحاظ شکلی گونه‌های مختلفی را تجربه کرده است. در مقطعی این برنامه در قالب نمایشی اجرا می‌شد، اما در برهه‌ای دیگر خانه ما گوینده محور شد که این مساله مورد استقبال مخاطبان نبود، به همین دلیل از مهرماه امسال این برنامه دوباره به صورت بازیگر محور اجرا شد و ما شاهد استقبال بیشتری از آن شدیم، به طوری که در این ۴۰ دقیقه تلفن‌ها و پیامک‌های زیادی به برنامه زده می‌شود.

وی در پاسخ به این پرسش که خانه ما با دیگر برنامه‌ها چه تفاوتی دارد، می‌گوید: تفاوت این برنامه با دیگر برنامه‌ها در بخش نمایشی آن است، ما این الگو را از سریال خانه سبز برداشت کردیم؛ خانه‌ای طراحی کردیم که می‌تواند خانه من، خانه تو یا خانه ما باشد با تمام خوبی‌ها، بدی‌ها و کاستی‌هایی که در همه زندگی‌ها وجود دارد، مشکلاتی که دغدغه‌های امروزی بیشتر افراد است. ما خانه‌ای صمیمی و ساده طراحی کرده‌ایم با خانواده‌ای متشکل از مادر و پدر، فرزند و حتی بزرگان خانواده و البته همسایه‌هایی است که مخاطبان برنامه هستند و مشکل ما مشکلات خودشان است، همیشه در مشکلات و گرفتاری‌ها به ما کمک می‌کنند و ما هم قصد داریم شنونده‌ها را به خودمان نزدیک کنیم.

چالش‌های خانوادگی

ساناز باقری یکی از تهیه‌کننده‌های برنامه است، او می‌گوید: در برنامه خانه ما بیشتر چالش‌ها مربوط به خانواده است و تلاش می‌شود مهارت‌های فردی و روابطی که باید بین افراد خانواده حاکم شود از طریق کارشناسان به مردم آموزش داده شود و به آنها راهکارها را ارائه می‌دهیم.

جلسات اتاق فکر با حضور عوامل برنامه‌ساز، نویسندگان و کارشناسان برگزار و موضوع‌ها انتخاب می‌شود و بیشتر محتوا حول محور تربیت فرزندان، ازدواج جوانان، فرزندآوری و چالش‌های زوجین و فضای مجازی است و تمرکز بر این موضوع‌ها براساس محورهای و سیاست‌های تعیین شده از سوی مقام معظم رهبری و مدیریت شبکه رادیویی تهران که بیشتر مشکلات و دغدغه‌های امروزی مردم و زندگی شهرنشینی است.

با سعید پیردوست، بازیگر با سابقه سینما و تلویزیون

قرار نبود نقش رئیس طولانی باشد

۵۰



سعید پیردوست، بازیگر با سابقه و هنرمند سینما و تلویزیون فعالیت بازیگریش را از دهه ۵۰ آغاز کرده است. با وجود این که او در بعضی از فیلم‌های کیمیایی حضور داشته و اتفاقاً بازی‌های در خوری هم ارائه داده است، اما با حضور در تلویزیون و همکاری با مهران مدیری و احمد نجفی در کارهایی مثل کارآگاه علوی و پاورچین به شهرت و محبوبیت رسید بازخوانی یک پرونده، دو راهه، دلبر آهنی، دایره تردید، جای قند پهلوه، پاورچین، باغچه مینو، باران عشق، گروهان، دندان مار، چگونه میلیارد در شدم، پسر آدم، دختر حوا، در شهر خبری نیست، هست، شبی در تهران، سوغات فرنگ، هر چی تو بخوای، تعطیلات آخر هفته، ازدواج صورتی، رستگاری در ۸/۴ دقیقه، برگ برنده، تیغ و ابریشم، خط قرمز، سفر سنگ، غزل، کوزن‌ها، خاک، شب‌های برره و باغ مظفر از جمله کارهای پیردوست محسوب می‌شوند.

هونام حقانی

امسال بعد از مدت‌ها با فیلم‌های مسعود کیمیایی در قاتل اهلی دوباره با او همکاری کردید...
بله، سابقه آشنایی من و مسعود کیمیایی به سال ۵۳ و بازی در فیلم گوزن‌ها باز می‌گردد. من در آن فیلم نقش یک کفتر باز را بازی می‌کردم. این همکاری جسته و گریخته با فیلم سرب و حکم ادامه پیدا کرد و بعد کات شد، اما رفاقتان همچنان پابرجا بود. بهار امسال از دفتر ایشان تماس گرفته شد و رفتم و شدم بازیگر قاتل اهلی. در قاتل اهلی نقشم بد نیست. من نقش یک کارخانه‌دار ورشکسته را بازی می‌کنم که تلاش می‌کند کارخانه‌اش را دوباره احیا کند. اما با آثار مهران مدیری برای مردم بیشتر شناخته شدید. از چه زمانی با مهران مدیری آشنا شدید؟
سابقه آشنایی من و مهران مدیری به بازی مشترکمان در فیلم توکیو بدون توقف برمی‌گردد که در ادامه با پاورچین این آشنایی و رفاقت شکل جدی‌تری به خود گرفت.
ویژگی کار با کارگردانی مثل مهران مدیری چگونه است که تعدادی بازیگر خاص می‌توانند در کارهایش حضور موفقی داشته باشند؟
مدیري معمولاً به استفاده از بازیگران تقریباً ثابت در کارهایش اعتقاد دارد. مثلاً بعد از پاورچین یک تیم شکل گرفت که در کارهای بعدی مدیری با تغییرات جزئی در کنار هم حضور داشتند. نکته مهم این که مردم، این تیم

روز اولی که برای بازی در سریال پاورچین با مهران مدیری صحبت کردم ایشان عنوان کردند یک نقش کوتاه برای من در نظر گرفته‌اند که رئیس اداره بوده و ممکن است هر شش قسمت یکبار حضور داشته باشد. من در پاسخ گفتم مساله مهمی نیست و برایم همکاری با شما ارزشمند است و نقش را قبول کردم. چند قسمت شروع سریال همین روال حضور کوتاه حفظ شد، اما به مرور با توجه به تغییر فضای سریال و حذف تعدادی بازیگر و جایگزین شدن عده‌ای دیگر، بخش اداره فرهاد به عنوان یکی از پایه‌های اصلی سریال مورد استفاده قرار گرفت و رفتار چاپلوسانه فرهاد با رئیس و واکنش رئیس و تشویق کردن و جوک گفتن‌هایش خیلی به مذاق مردم خوش آمد. چون نمونه آدم‌های این شکلی در جامعه ما زیاد یافت می‌شود.
مدیري، کارگردان باهوشی است و استادانه از توانایی هر بازیگر در موقعیت صحنه و حین کار استفاده می‌کند و کارهایش دارای امضا می‌شوند. جاهایی بازیگر را موظف می‌کرد که فقط طبق متن کار کند و جاهای دیگر آزادی عمل می‌داد تا بازیگر کارش را البته در یک خط اصولی ارائه کند.

جایی بروم همه من را بشناسند. این در حالی بود که در فیلم‌هایی مثل خاک، رد پای گرگ و گوزن‌های کیمیایی بازی کرده بودم، اما حضورم در این سریال باعث شد خیلی‌ها من را بشناسند. در آن سال‌ها در شهرک اکباتان زندگی می‌کردم. یک روز صبح که مدتی از پخش پاورچین می‌گذشت از خانه بیرون آمدم تا سوار ماشین بشوم. ناگهان عده زیادی از مردم دورم جمع شدند و باعث تعجب شدند. پیش‌ترها که تازه بازیگر شده بودم با خود می‌گفتم. می‌شود روزی مردم مرا در خیابان بشناسند و درباره بازیم حرف بزنند. این آرزو ۲۰ سال بعد با سریال پاورچین محقق شد.
تا آنجایی که به یاد دارم قبل از پاورچین اصلاً شما را بازیگر طنز نمی‌شناختند...
درست است. البته در چند کار نقش‌هایی را بازی کرده بودم که رگه‌هایی از طنز در آنها وجود داشت.
با سیروس الوند هم همکاری دیرینی دارید...
سیروس الوند از بزرگان سینما و جزو دوستان خوبم است. یادم می‌آید سر فیلم برگ برنده با فریبرز عرب‌نیا و باران کوثری در حوالی ساوه کار می‌کردیم و بازی در این فیلم در اوج پخش پاورچین بود که ناگهان مردم یک روستا آمدند سر صحنه تا من را ببینند. سیروس الوند تعجب کرد و با بلندگو گفت اجازه بدهید این صحنه تمام شود و بعد سعید پیردوست مال شما!

یک‌دست و هماهنگ بازیگری را پذیرفته بودند و دوستش داشتند یک دهه بعد این «کست بازیگری» با حضور چهره‌های جدید دستخوش تغییرات جدی شد.
آیا برای ایفای نقش چنین رئیسی، الگویی هم برای بازی داشتید؟
من در حدود ۲۳ سال مسئول امور اداری کمپانی ماک بودم که برند یک ماشین سنگین است، بنابراین زیر و بم‌های کارمند جماعت و کنش و واکنش‌هایشان را خوب می‌شناسم. بنابراین بابت پیدا کردن الگو و مایه‌ها زانرفتم و برگردم و تنها به آرشيو ذهنم رجوع کردم. می‌دانستم به عنوان مدیر چگونه با کارمند و کارگر صحبت کنم و این که در شیوه مدیریتی باید به یکسری پاداش داد و یکسری را جریمه کرد.
بنابراین تشویق فرهاد در سریال از ایده‌های شما بود؟
من این تجربیات را منتقل کردم و خوشحالم که سریال توانست در زمان پخشش به محبوبیت زیادی بین مردم برسد. جنس بازی در این نوع کارها حسی و با بقیه موارد متفاوت ارائه می‌شود. بتدریج نقش رئیس قوام و شکل کاملی به خود گرفت.
از استقبال گسترده مردم هنگام پخش پاورچین تعجب نکردید؟
برای من غیرمنتظره بود. من تا قبل از همکاری با مدیری بازیگری نبودم که اگر

دردسره‌های کاهش وزن

گفت‌وگویی اشکان خطیبی با رامبد جوان در خندوانه به سبب رفاقت دیرین آنها بسیار صمیمی شد. خطیبی که علاوه بر بازیگری در زمینه موسیقی و خوانندگی نیز فعالیت دارد در جواب سوال کنار گذاشتن یکی از این فعالیت‌هایش پاسخی داد که تعجب رامبد جوان را در پی داشت. خطیبی گفت اگر روزی قرار باشد یکی از حوزه‌های کاری‌اش را کنار بگذارد، آن حوزه بازیگری جلوی دوربین است. علتش را هم صدمات جسمی و روحی عنوان کرد که پس از مدت‌ها همچنان همراه اوست. رامبد جوان در همین راستا اشاره‌ای به یکی از آثار سینمایی کرد که خطیبی برای آن ۲۰ کیلو از وزنش را کم کرد، چنان‌که در اولین دیدار بسیاری از دیدنشان متعجب شده بودند. خطیبی هم با تائید این مساله گفت که این کاهش وزن اثرات جسمی بدی برای او داشته و سیستم بدنیش را دچار مشکل کرده است.



فرود در مزرعه خربزه

حضور بازیگران مختلف در برنامه قصه‌های سینما از شبکه مستند در دهه فجر، منجر به روایت‌های جالبی از سوی آنها درباره فیلم‌ها شد. عنایت بخشی در همین برنامه از چگونگی ساخت فیلم شکار و اتفاقات جالبی که در زمان ساخت این فیلم برای او اتفاق افتاده، گفت. او قضیه را این‌طور شرح داد که در این فیلم در نقش یک مامور به دنبال خسرو شکیبایی که تحت تعقیب و فراری بوده، می‌رود و برای دستگیری او در بخشی از داستان از هلیکوپتر هم استفاده می‌کنند. بخشی ادامه داد که سوار بر هلیکوپتر در جست‌وجوی شکیبایی بوده که ناگهان و به اشتباه در مزرعه خربزه فرود می‌آیند؛ فرودی که بدون خسارت هم نبوده و شدت باد هلیکوپتر موجب خرابی مقدار زیادی خربزه شده که البته سرمایه‌گذار تمامی خساراتش را پرداخت کرده بود.



دشواری‌های اجرای یک نقش

کوروش تهامی که با فیلم رگ خواب حمید نعمت‌الله در جشنواره فیلم فجر حضور داشته، در ویژه‌برنامه هفت از خودش و بازی در این فیلم گفت. تهامی در این برنامه از ترس‌هایش برای حضور در این فیلم گفت. البته در ادامه اضافه کرد که ترس نه از بابت حضور بلکه از جهت چگونگی اجرای درست نقش و ارائه شخصیتی متفاوت با آنچه پیش از این از او دیده‌ایم. تهامی که براساس گفته خودش با تئاتر شروع کرده از تلاش‌هایش برای اجرای باورپذیر یک شخصیت هم گفت و در این باره مثالی از فیلم به رنگ ارغوان آورد. صحنه‌ای که در جنگل اتفاق می‌افتاد و تهامی آن قدر در نقش فرو رفته بود که نزدیک بود سرش به درخت اصابت کند و این شرایط نگران، حاتم‌کیا را هم در پی داشت.



مزاحمت گریه علاقه مند به دور بین

محمد مهدی عسکری در خاطره‌ای از پشت صحنه یکی از آثارش در سال ۷۰ با تعریف کرد که یک گربه، مزاحم فیلمبرداری‌شان شده بود؛ در این شکل که این گربه بار بار با شروع ضبط از جلوی دوربین رد می‌شده و کار فیلمبرداری را مختل می‌کرده است. برای جلوگیری از مزاحمت گربه تصمیم می‌گیرند دوربین را بالاتر ببرند تا گربه در کادر دوربین نباشد، اما این بار گربه زمانی که به دوربین می‌رسد، آن قدر بالا می‌پرد تا دوباره در کادر دوربین قرار بگیرد. دیگر خاطره عسکری از زمان تشییع پیکر خسرو شکیبایی در زمان مدیریتش در خانه سینما بود که جمعیت بی‌شماری در مراسم حاضر شده و تدفین مرحوم شکیبایی را با مشکل مواجه کرده بودند. عسکری گفت، با تدبیری بالاخره توانست مدعوین را به سمتی دیگر سوق دهند، اما در حالی که همه چیز خوب پیش می‌رفته به او اطلاع می‌دهند فردی داخل قبر شده و اجازه دفن شکیبایی را نمی‌دهد.



طراح: بیژن گورانی

جدول کلاسیک شماره ۳۲

افقی: ۱ - برنامه شاد و مفرح رامید جوان در شبکه نسیم - مجموعه تلویزیونی طولانی ساخته جواد افشار با بازی همراه شریفی نیا که از شبکه آی فیلم بازپخش می شود - ۲ - نمایشنامه ای مشهور از ویلیام شکسپیر - زیرکی - غربال - ۳ - قیمت - پیشوایان طریقت - ۴ - شرط دوستی - شبکه نشاط و سرگرمی سیما - بدون برنامه ریزی - ۵ - آفریدگار - زمزمه کننده - حرف مجرمانه - ۶ - سرای محبت - شهر بی قانون - بوی خوش - ۷ - برنامه شامگاهی شبکه آموزش با رویکرد زندگی ایرانی، اسلامی - پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات ناجا - ۸ - دارای اخلاق و رفتار خشک - همنشین - شجاع - ۹ - اجاره بها - فیلم «راه طولانی تا آزادی» زندگی این رهبر جنبش ضدنژادپرستی آفریقایی جنوبی را به تصویر می کشد - ۱۰ - خمیده - از وسترن های جذاب و تماشایی تاریخ سینما ساخته ویلیام وایلر با بازی گری کوپر - ۱۱ - نوعی زیرانداز - درختی با برگ های پنجه ای - طایفه چادرنشین - ۱۲ - مساوی - پارلمان - پشت سر هم - ۱۳ - از آثار سینمایی مطرح جوزپه تورناتوره، فیلمساز شهر ایتالیا.

عمودی: ۱- برنامه صبحگاهی خانوادگی شبکه اول سیما با اجرای هرمز جاعی مهر - نام مجنون ۲- یادداشت - از فعالیت‌های تلویزیونی که با دوربین بروکار دارد ۳- وسیع و باصفا - مامور تشریفات عصر صفوی ۴- میان برنامه یزیدی - عطا و کرم - جانشین وضو ۵- وقت و هنگام - بازیگر خانم مجموعه طنز مسایدها» مکان ۶- برنامه ظهرگاهی شبکه سه سیما که به موضوعات و مسائل نئی می‌پردازد رشته کوهی در اروپا ۷- راهنمایی کردن - پایتخت اتریش - شهری استان فارس ۸- حماسه‌سرای

پاسخ جدول شماره ۳۱

نامی یونان - مرطوب ۹ - دستور
قطع فیلمبرداری - مادر بزرگ
پایتخت تبت ۱۰ - مترسک - نی
باریک - جای پا ۱۱ - پول پرست -
برنامه تلویزیونی بررسی مسائل
روز سینمای کشورمان در شبکه
سه سیما - نهایی ۱۲ - پهلوان -
پوشیده و پنهان - شهر زیارتی
۱۳ - برنامه ترکیبی شبکه سه
سیما با هدف اصلاح سبک
زندگی با اجرای فرزاد حسنی
- موج کوتاه رادیویی -

[illegible][illegible]